

جهانی‌زدایی و چندتکه‌شدن اقتصاد جهان؛ تیین چیستی، بررسی ابعاد و ارائه دلالت‌هایی برای ایران



لله الحمد لله الرحمن الرحيم

شماره مسلسل: ۲۰۸۹۷

کد موضوعی: ۲۲۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۵/۲۱

عنوان گزارش:

جهانی‌زدایی و چندتکه‌شدن اقتصاد جهان؛ تبیین چیستی، بررسی ابعاد و ارائه دلالت‌هایی برای ایران

نوع گزارش:

طرح/لایحه ☐ راهبردی ☒ نظارتی ☐ پیش‌نویس قانونی ☐

نام دفتر:

دفتر مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد بین‌الملل)

تهیه و تدوین کنندگان:

مینو خانزاده (گروه اقتصاد بین‌الملل)، مهدی رزم‌آهنگ (گروه اقتصاد بین‌الملل)

مدیر مطالعه:

مهدی رزم‌آهنگ

ناظران علمی:

سیدمهدی بنی‌طبا، میثم خسروی

گرافیک و صفحه‌آرایی:

منیره حاجی محمدی

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:

۱. چندتکه‌شدن اقتصاد جهان

۲. جهانی‌زدایی

۳. اقتصاد بین‌الملل

۴. ایمن‌سازی

۵. کمربندهای اقتصادی



تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۹/۱



فهرست مطالب

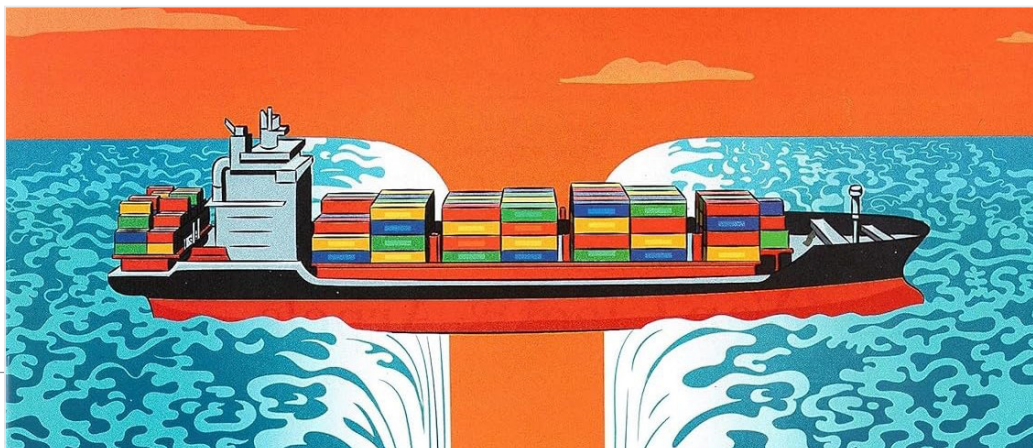
۷	چکیده.....
۸	خلاصه مدیریتی.....
۱۰	۱. مقدمه.....
۱۱	۲. چندتکه شدن اقتصاد جهان؛ تبیین چیستی.....
۱۱	۲-۱. چندتکه شدن اقتصاد جهان چیست و چرا اتفاق می افتد؟.....
۱۱	۲-۲. تعریف واژگان کلیدی.....
۱۲	۲-۳. نمای وضعیت روابط اقتصاد بین الملل از جهانی سازی تا جهانی زدایی.....
۱۳	۲-۴. چندتکه شدن اقتصاد جهان و پاسخ های سیاستی.....
۱۵	۲-۵. تواتر واژگان و عبارت های مرتبط با چندتکه شدن اقتصاد جهان.....
۱۶	۲-۶. جدال دیدگاه ها؛ از انکار تا تأیید پدیده چندتکه شدن جهان.....
۱۸	۳. چندتکه شدن اقتصاد جهان و دگرگونی در انگاره ها و اولویت های سیاست گذاری در زمینه اقتصاد بین الملل.....
۲۰	۴. چندتکه شدن اقتصاد جهان در چه بخش هایی نمایان شده است؟.....
۲۰	۴-۱. نظام پرداخت ها و ترکیب سیدارزی.....
۲۱	۴-۲. سرمایه گذاری مستقیم خارجی.....
۲۵	۴-۳. صنعت و فناوری.....
۲۵	۴-۴. تجارت.....
۲۹	۴-۵. زنجیره تأمین.....
۳۱	۴-۶. شبکه دیجیتال و زیرساخت ها.....
۳۲	۵. چندتکه شدن اقتصاد جهان چه دلالت هایی برای ایران دارد؟.....
۳۲	۵-۱. مخاطرات احتمالی.....
۳۴	۵-۲. فرصت های احتمالی.....
۳۵	۶. راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره گیری از فرصت های چندتکه شدن اقتصاد جهان.....
۳۵	۶-۱. تثبیت قدرت از طریق ایمن سازی زنجیره های تأمین حیاتی کشور.....
۳۵	۶-۲. جهش قدرت از طریق نقش آفرینی در کمر بندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی منتخب.....
۳۷	۷. جمع بندی و پیشنهادها.....
۳۹	منابع و مأخذ.....

فهرست اشکال

شکل ۱. طیف وضعیت روابط اقتصاد بین الملل از جهانی سازی تا جهانی زدایی	۱۳
شکل ۲. طیف چندتکه شدن اقتصاد جهان	۱۳
شکل ۳. سطوح مختلف پاسخ به اختلال چندتکه شدن	۱۵
شکل ۴. نمودار روند به کارگیری واژه های جدید در حوزه اقتصاد بین الملل در چند سال اخیر	۱۵
شکل ۵. نمودار شاخص ریسک ژئوپلیتیک و شاخص واژگان مرتبط با چندتکه شدن جهان	۱۶
شکل ۶. نمودار توزیع پراکندگی دیدگاه اندیشکده های معتبر و صاحب نظران حوزه اقتصاد سیاسی بین الملل	۱۸
شکل ۷. چندتکه شدن اقتصاد جهان و دگرگونی در انگاره ها و اولویت های سیاستگذاری در زمینه اقتصاد بین الملل	۲۰
شکل ۸. نمودار سهم کاهشی دلار در ذخایر ارزی رسمی	۲۱
شکل ۹. نمودار روند حجم سرمایه گذاری خارجی در جهان	۲۲
شکل ۱۰. نمودار تعداد پروژه های سرمایه گذاری مستقیم خارجی در حوزه های مختلف	۲۳
شکل ۱۱. نمودار جریان جهانی تجارت کالا - خدمات (تریلیون دلار) و نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی	۲۶
شکل ۱۲. نمودار جریان تجارت کالای روسیه و چین با اروپا و آمریکا	۲۶
شکل ۱۳. نمودار حجم تجارت منع شده در طول زمان	۲۷
شکل ۱۴. نمودار تعداد محدودیت های تجاری جدید علیه تجارت کالا - خدمات و سرمایه گذاری	۲۷
شکل ۱۵. نمودار روند استفاده از استثنای «امنیت ملی» در تجارت براساس در آمد کشورها	۲۸
شکل ۱۶. نمودار تعداد محدودیت های تجاری وضع شده براساس بخش های اقتصادی	۲۹
شکل ۱۷. زنجیره تأمین جهانی کالاهای اساسی منتخب، ۲۰۲۰	۳۰

فهرست جداول

جدول ۱. تخصیص مجدد در سبد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سراسر مناطق جهان [۴۷]	۲۴
جدول ۲. راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره گیری از فرصت های چندتکه شدن اقتصاد جهان	۳۵
جدول ۳. راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره گیری از فرصت های چندتکه شدن اقتصاد جهان	۳۷



جهانی‌زدایی و چندتکه‌شدن اقتصاد جهان؛ تبیین چیستی، بررسی ابعاد و ارائه دلالت‌هایی برای ایران

چکیده



گزارش حاضر به تحلیل پدیده «جهانی‌زدایی» و «چندتکه‌شدن اقتصاد جهان» در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل پرداخته‌است. این پدیده که به دنبال تحولات اخیر جهانی نظیر جنگ اوکراین، تنش‌های ژئوپلیتیکی، شیوع بیماری کووید-۱۹ و جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین بیش از پیش نمایان شده، به تغییرات اساسی در الگوهای سیاستگذاری و گفتمان‌های جهانی اشاره دارد. در گذشته، جهانی‌سازی و هم‌گرایی اقتصادها در چارچوب زنجیره‌های تأمین و ارزش جهانی به‌عنوان رویکرد غالب مطرح بود، اما امروزه مشاهده می‌شود که زنجیره‌ها به سمت چندتکه‌شدن و منطقه‌ای‌سازی در حال حرکت هستند. این تغییرات عمدتاً ناشی از نگرانی‌ها در خصوص امنیت زنجیره‌های تأمین، کاهش وابستگی به کشورهای رقیب و اولویت‌دهی به تاب‌آوری اقتصادی در مقابل کارایی اقتصادی است. نظام پرداخت‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صنعت و فناوری، تجارت و زنجیره‌های تأمین، حوزه‌هایی هستند که تحت تأثیر چندتکه‌شدن اقتصاد جهان قرار گرفته‌اند. این پدیده هم‌واجد مخاطرات و هم دربردارنده فرصت‌هایی برای ایران است. در راستای مدیریت مخاطرات، توصیه راهبردی، ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور است. از سوی دیگر، استفاده از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان، از رهگذر «نقش‌آفرینی در کمربندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی منتخب» می‌گذرد.



خلاصه مدیریتی



بیان / شرح مسئله

در سال‌های اخیر، جهان شاهد تحولات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی گسترده‌ای بوده که منجر به شروع پدیده جهانی زدایی و چندتکه شدن اقتصاد جهانی شده است. این تغییرات ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های بزرگ، جنگ‌های تجاری و افزایش تنش‌های بین‌المللی است. در این شرایط، کشورهای مختلف تلاش می‌کنند تا با کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین جهانی ریسک‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی را مدیریت کنند. این روند، سیاستگذاری‌های تجاری، صنعتی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی کشورها و کنشگران را به‌طور بنیادین دگرگون کرده و کشورها را وادار به بازنگری در استراتژی‌های اقتصادی‌شان کرده است.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

حسب بررسی‌ها، جهان در حال ورود به دوره‌ای است که در آن زنجیره‌های تأمین و ارزش دچار تغییرات بنیادین شده‌اند. برخلاف گذشته که تولید و تجارت جهانی براساس رویکرد حداقل‌سازی هزینه و حداکثرسازی سود در یک جهان یکپارچه عاری از ریسک ژئوپلیتیک صورت‌بندی می‌شد اینک کشورها به سمت ارتقای تاب‌آوری و تأمین امنیت زنجیره‌های تأمین، ارزش و تولید خود حرکت کرده‌اند. به بیان دیگر، سیاستگذاری‌های اقتصادی دیگر تنها براساس مزیت نسبی و بهره‌وری اقتصادی انجام نمی‌شود، بلکه ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی در اولویت قرار گرفته‌اند. چندتکه شدن اقتصاد جهان منجر به بازنگری در انگاره‌ها و اولویت‌های سیاستگذاری در زمینه اقتصاد بین‌الملل شده است. شکل زیر، مختصات این تغییر را نمایش می‌دهد.

شکل تغییر انگاره‌ها و اولویت‌های سیاستگذاری کنونی در زمینه اقتصاد بین‌الملل

حداقل‌سازی هزینه‌ها و حداکثرسازی سود در یک جهان عاری از ریسک	←	تاب‌آوری اقتصادی
تجارت، جهان را به‌جای امن‌تری برای زندگی تبدیل می‌کند.	←	هر سطحی از وابستگی اقتصادی می‌تواند به ابزاری جهت تحکیم سیاسی تبدیل شود.
جهان مسطح و تعاملات اقتصادی عاری از هرگونه عوارض و موانع سیاسی - امنیتی	←	امنیتی‌سازی سیاست‌های اقتصادی و اقتصادی‌سازی سیاست‌های استراتژیک
برون‌سپاری زنجیره‌های ارزش و تأمین	←	بارگذاری مجدد زنجیره‌های ارزش و تأمین در جغرافیای دوست و نزدیک
مرکزیت اصل «مزیت نسبی» و ضرورت عضویت در تقسیم کار جهانی	←	ضرورت ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین و ارزش
ضرورت کوچک‌کردن فضای همپوشان دایره اقتصاد و دایره سیاست	←	امکان استفاده از وابستگی و درهم‌تنیدگی اقتصادی جهت ضربه به رقبای سیاسی
تأمین، دقیقاً در زمان نیاز (supply, just in time)	←	ایمن‌سازی تأمین به تناسب سناریوها و ریسک‌ها (Supply, just in Case)

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

- این تغییر ناشی از افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، تنش‌های تجاری بین قدرت‌های بزرگ، اختلالات در زنجیره تأمین و تحولات اقتصادی و صنعتی در سطح جهانی است. **کشورها تلاش می‌کنند تا زنجیره‌های تأمین خود را از نظر امنیتی مقاوم‌سازی کنند، حتی اگر این امر موجب افزایش هزینه‌های تولید شود.**
- روند جدایی و چندتکه‌شدن اقتصادی، یک پدیده موقتی نیست، بلکه نشانه‌های آن در تمام ابعاد اقتصادی، تجاری، صنعت و فناوری و حتی در سیاست و اجتماع مشاهده می‌شود. این مسئله ادبیات و گفتمان جهانی را از جهانی‌سازی، به جهانی‌زدایی تغییر داده و اکنون واژگانی چون منطقه‌گرایی، ریسک‌زدایی از زنجیره تأمین، تولید در داخل، برون‌سپاری منطقه‌ای و زنجیره تأمین هم‌پیمانی به‌صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- نقش سازمان‌هایی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO) و صندوق بین‌المللی پول (IMF) در تنظیم سیاست‌های اقتصادی جهانی کم‌رنگ شده است. کشورها به‌جای پیروی از قواعد جهانی، سیاست‌های حمایتی و مداخله‌گرانه را در پیش گرفته‌اند.
- سرمایه‌گذاری‌های خارجی تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته‌اند. کشورها محدودیت‌های شدیدی بر جذب سرمایه‌های خارجی در بخش‌های راهبردی اعمال کرده‌اند و به‌دنبال تقویت سرمایه‌گذاری‌های داخلی و منطقه‌ای هستند.
- با افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی، برخی کشورها به‌دنبال کاهش وابستگی خود به دلار آمریکا و جایگزینی آن با ارزهای ملی و منطقه‌ای هستند؛ هرچند که این روند با سرعت نه‌چندان زیادی در جریان است؛ این موضوع باعث شده کشورهای مختلف، بیش از گذشته از تسویه‌های دوجانبه به‌جای تسویه با ارزهای جهان‌روا استفاده کنند و برخی کشورها به سمت ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) حرکت کرده‌اند تا وابستگی به سیستم‌های پرداخت بین‌المللی را کاهش دهند.
- حوزه‌های صنعت، فناوری و انرژی به میدان اصلی رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند. به این معنا که کشورهای بزرگ در تلاش هستند تا انتقال فناوری‌های پیشرفته به کشورهای رقیب و غیرهمسور محدود کنند و همچنین به‌دنبال افزایش تولید داخلی انرژی و کاهش وابستگی به واردات نفت و گاز از مناطق و کشورهای پرریسک هستند.
- استراتژی‌های صنعتی جدید براساس گفتمان امنیت ملی تدوین می‌شوند. کشورها تلاش می‌کنند تا زنجیره‌های تأمین و ارزش خود را از نظر امنیتی مقاوم‌سازی کنند، حتی اگر این امر موجب افزایش هزینه‌های تولید شود.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

بروز پدیده چندتکه‌شدن اقتصاد جهان، هم‌واجد مخاطرات و هم‌دربدارنده فرصت‌هاست. در راستای مدیریت مخاطرات، توصیه راهبردی، ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور است. ازسوی دیگر، استفاده از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان، از رهگذر «نقش‌آفرینی در کمربندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی منتخب» می‌گذرد. در جدول زیر، مختصات راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان ارائه شده است.



جدول راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان

بازه زمانی	دال مرکزی	حوزه‌های تصمیم‌گیری و اثر	راهبرد	سنجه پیشرفت و ارتقای عملکرد
کوتاه‌مدت	مدیریت مخاطرات از طریق ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور	– تجارت کالاهای اساسی. – سازوکارهای پرداخت و نقاط تسویه مالی و بانکی.	ریسک‌زدایی و ایمن‌سازی (حتی با هزینه بیشتر از رویه‌های جاری)	– میزان فاصله گرفتن از رویه دور زدن تحریم. – حجم تجارت کالاهای اساسی خارج از دایره مجوزهای موردی وزارت خزانهداری آمریکا. – حجم تجارت کالاهای اساسی خارج از دایره دسترسی و استیلای قدرت‌های غیر همسو. – سرعت و کیفیت حرکت به سمت تراز کردن تجارت با کشورهای طرف تعامل در حوزه کالاهای اساسی و کاهش نیاز به ارزهای جهان‌روای غیرایمن (نظیر دلار، یورو و درهم) جهت تسویه تجارت این اقلام.
میان‌مدت و بلندمدت	بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن از طریق نقش‌آفرینی در کمر بندهای اقتصادی – سیاسی – امنیتی منتخب	– جذب سرمایه (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اخذ وام خارجی). – جذب فناوری. – جذب صنعت. – زیرساخت حمل‌ونقل انرژی، بار و داده.	انتخاب‌های راهبردی (نه موازنه‌گری)	– ارتقای سطح کنش بر مدار کریدور. – میزان جذب سرمایه‌ خارجی. – دسترسی به فناوری‌های خاص و راهبردی. – سطح درهم‌تنیدگی با کشورهای منطقه و فرامنطقه در حوزه صنعت. – میزان وابستگی کشورهای منطقه و فرامنطقه به زیرساخت‌های کشور در حوزه انرژی، بار و داده (خطوط انتقال انرژی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی، دریایی و جاده‌ای و خطوط انتقال داده).

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱. مقدمه

جهان ۲۰۲۵ تفاوت‌های ماهوی با جهان ۲۰۱۵ پیدا کرده است. بعد از فروپاشی شوروی تا پیش از سال ۲۰۱۵ گفت‌وگوها غالب، گفت‌وگوهای جهانی سازی و گفت‌وگوها «تأمین به موقع» بود. هزینه تولید و لجستیک اهمیت اول را داشت و کشورها برای تأمین نیاز خود در لحظه، اقدام به خرید از هر جای جهان می‌کردند. اکنون گفت‌وگوها و جریان جهانی سازی وارونه شده است. قدرت گرفتن کشورهای آسیایی خصوصاً چین، آغاز جنگ‌های تجاری با ایالات متحده، شیوع بیماری کووید ۱۹، شعله‌ور شدن جنگ اوکراین و جنگ‌های غرب آسیا هر کدام به عنوان تکه‌ای از پازل جهانی‌زدایی عمل می‌کنند. به تناسب همین رویدادها، تغییرات گسترده‌ای در انگاره‌ها و اولویت‌های سیاستگذاری تعاملات اقتصاد بین‌الملل رقم خورده است.

از این رو بررسی و شناخت جهان کنونی با مختصات خاص خود ضروری است. در این گزارش، ابتدا به مسئله چندتکه‌شدن اقتصاد جهان و تعریف واژگان کلیدی که در ادبیات جدید کاربرد بیشتری پیدا کرده‌اند، می‌پردازیم. سپس دیدگاه‌های مطرح شده توسط اندیشکده‌های معتبر و صاحب‌نظران حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل تحلیل خواهد شد تا مشخص شود عموم دیدگاه‌ها در ارتباط با پدیده چندتکه‌شدن جهان حول کدام محور قرار دارند. در بخش بعدی اهمیت مسئله چندتکه‌شدن اقتصاد جهان در دگرگونی انگاره‌ها و اولویت‌های سیاستگذاری بررسی خواهد شد و سپس ابعاد و محورهای چندتکه‌شدن مطرح مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. در پایان نیز ربط و نسبت موضوع چندتکه‌شدن اقتصاد جهان با ایران مورد توجه قرار گرفته و دلالت‌های راهبردی برای ایران ارائه می‌شود.

۲. چندتکه‌شدن اقتصاد جهان؛ تبیین چیستی

پس از دهه‌ها یکپارچگی فزاینده جهانی، جامعه جهانی اکنون وارد دوره‌ای از عدم ثبات شده است. هرچند این اولین باری نیست که جهان با چنین پدیده‌ای مواجه می‌شود؛ اما در سال‌های اخیر با وقوع اتفاقاتی از قبیل جنگ‌های تعرفه‌ای، شیوع بیماری کووید ۱۹ و آغاز جنگ اوکراین، تصمیم‌گیری‌های مرتبط با تغییر مکان تولید و جدایی و چندتکه‌شدن زنجیره‌های تأمین و ارزش در سطوح مختلف، شدت یافته است. از آنجا که این گسست‌ها می‌توانند در سطوح متفاوتی رخ دهند، در ادبیات اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیز با عبارت‌های متفاوتی تعریف می‌شوند. در بخش بعد ابتدا به تعریف واژه چندتکه‌شدن پرداخته می‌شود و سپس واژگان کلیدی رواج یافته در این حوزه معرفی و تعریف می‌شوند.

۲-۱. چندتکه‌شدن اقتصاد جهان چیست و چرا اتفاق می‌افتد؟

در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی و به‌طور خاص متعاقب فروپاشی شوروی، جهانی شدن سیاست غالب در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود، اما در سال‌های اخیر روندهای معکوس جهانی شدن نیز به‌مرور از طریق کانال‌های اقتصادی و سیاسی ظاهر شده‌اند. یکی از پیامدهای این روند، حرکت اقتصاد جهان به سمت چندتکه‌شدن است. در حال حاضر، کشورهای مختلف تلاش می‌کنند تا با کاهش وابستگی تولیدات اولویت‌دار خود به زنجیره‌های تأمین جهانی و تمرکز بر تولید داخلی یا منطقه‌ای، ریسک‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی را مدیریت کنند. این روند، سیاستگذاری‌های تجاری، صنعتی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی کشورها و کنشگران را به‌طور بنیادین دگرگون کرده و کشورها را وادار به بازنگری در استراتژی‌های اقتصادی‌شان کرده است.

چندتکه‌شدن اقتصاد جهان را می‌توان واکنشی در مقابل مشکلات همون تک‌قطبی ناشی از جهانی شدن دانست. در دوره جهانی شدن، متعاقب حضور کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی، به‌رغم تجربه عایدی اقتصادی، سطح استقلال اقتصادی کشورها کاهش یافت و همچنین سهم بسیاری از آنها از ارزش افزوده حاصل از زنجیره‌های جهانی پایین نگه داشته شد که این امر منجر به تعمیق نابرابری و ایجاد شکاف درآمدی بین کشورها شد. چندتکه‌شدن، پدیده‌ای است که از یک‌سو می‌تواند به استقلال اقتصادی و مدیریت بهتر ریسک‌ها کمک کند، اما از سوی دیگر ممکن است چالش‌هایی را بر کشورها تحمیل کرده و فضای رقابتی بین‌المللی را محدودتر کند. این پدیده می‌تواند به اشکال مختلفی همچون «جهانی‌زدایی»، «ریسک‌زدایی» نمود پیدا کرده و در حالت‌های شدیدتر نیز این احتمال وجود دارد که پدیده‌هایی نظیر «چندتکه‌شدن اقتصاد جهان» و در نهایت «انفکاک کامل» نیز تجربه شود. وارونه شدن گفتمان جهانی‌سازی، منجر به تولید ادبیات و واژگانی از جمله «ریسک‌زدایی از زنجیره تأمین»، «بازگردانی زنجیره تأمین»، «برون‌سپاری منطقه‌ای»، «زنجیره تأمین هم‌پیمانی» شده است که در ادامه به توضیح این واژگان پرداخته می‌شود.

۲-۲. تعریف واژگان کلیدی

در این بخش، واژگان کلیدی و پرتکرار در ادبیات چندتکه‌شدن در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل معرفی و تعریفی از آنها ارائه می‌شود. برخی از مهم‌ترین این مفاهیم عبارتند از:

● **جهانی‌سازی زنجیره‌های تأمین و ارزش:** 'جهانی‌سازی زنجیره تأمین، به فرایند یکپارچه‌سازی و وابستگی متقابل فرایندهای تولید و توزیع در سطح فراملی اشاره دارد. استفاده از شبکه‌ای گسترده از تأمین‌کنندگان، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سراسر جهان ذیل



گفتمان جهانی‌سازی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا با بهره‌گیری از منابع و نیروی کار و لجستیک بهینه در کشورهای مختلف، بهره‌وری را افزایش داده و هزینه‌ها را کاهش دهند [۱].

● **جهانی‌زدایی:** این اصطلاح به فرایندی اشاره دارد که در آن، عوامل اقتصادی پیوندهای اقتصادی بین‌المللی خود را کاهش داده و فعالیت‌های اقتصادی را به سمت اقتصاد داخلی یا اقتصادهای منطقه‌ای و یا اقتصادهای هم‌پیمان خود سوق می‌دهند [۲] و [۳].

● **منطقه‌گرایی:** منطقه‌ای‌گرایی به تغییر استراتژیک از وابستگی به یک سیستم زنجیره تأمین و زنجیره ارزش جهانی به سمت یک مدل تولید و عرضه منطقه‌ای اشاره دارد. هدف این تحول، کاهش خطرات و افزایش انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین از طریق بارگذاری آنها در مناطق جغرافیایی نزدیک به جای تکیه بر یک مرکز جهانی مسلط است [۴].

● **ریسک‌زدایی از زنجیره تأمین:** کاهش ریسک به تنوع‌بخشی در زنجیره‌های تأمین و گسترش همکاری‌های تجاری با هدف کاهش آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی اشاره دارد. این راهبرد در راستای تقویت امنیت ملی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی اتخاذ می‌شود [۵].

● **چندتکه‌شدن ژئواکونومیک:** این پدیده زمانی رخ می‌دهد که منابع و مقاصد جریان‌های فرامرزی کالا، خدمات و سرمایه در حوزه صرفاً اقتصادی دستخوش چندتکه‌شدن می‌شود. این تغییرات اغلب براساس ملاحظات استراتژیک مانند امنیت ملی و اقتصادی، حاکمیت و استقلال رخ می‌دهند [۳] و [۶].

● **چندتکه‌شدن ژئوپلیتیک:** این اصطلاح به فرایند تضعیف روابط میان کشورها یا مناطق در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... اشاره دارد که اغلب تحت تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی رخ می‌دهد و منجر به کاهش همکاری و یکپارچگی بین‌المللی شده است. این پدیده خود را در قالب اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی، کاهش جریان‌های تجاری و شکل‌گیری بلوک‌های اقتصادی - سیاسی رقیب نشان می‌دهد [۷] و [۸].

● **انفکاک و انقطاع:** این عبارت به جدا شدن کامل در همه زمینه‌ها و رسیدن به حد اعلای چندتکه‌شدن با توقف کامل همکاری‌ها در سطح بین‌بلوکی اشاره دارد [۹].

۳-۲. نمای وضعیت روابط اقتصاد بین‌الملل از جهانی‌سازی تا جهانی‌زدایی

در شکل ۱، مفاهیم فوق در یک طیف، از جهانی‌سازی کامل تا جهانی‌زدایی شده است.

1. Deglobalization of Supply Chains

2. Regionalization

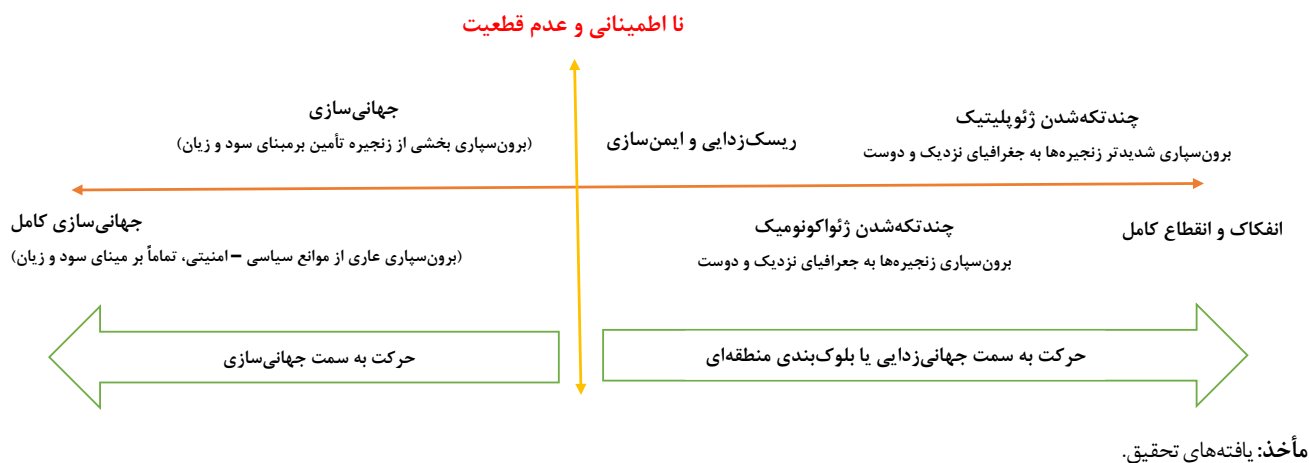
3. Supply Chains Derisking

4. Geoeconomic Fragmentation

5. Geopolitic Fragmentation

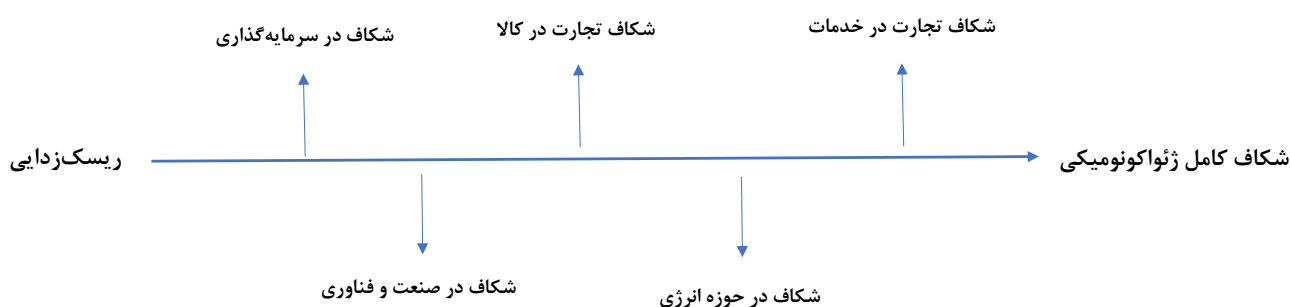
6. Decoupling

شکل ۱. طیف وضعیت روابط اقتصاد بین‌الملل از جهانی‌سازی تا جهانی‌زدایی



شکل ۲ به صورت دقیق‌تری، مراحل حرکت روابط اقتصاد بین‌الملل به سمت جهانی‌زدایی (چندتکه‌شدن ژئواکونومیک) را نشان می‌دهد. این شکل نشان می‌دهد که متعاقب حرکت کشورهای جهان به سمت جهانی‌زدایی، حرکت آزاد سرمایه، اولین حوزه‌ای است که دستخوش تحولات جدید می‌شود؛ شدت یافتن جهانی‌زدایی باعث می‌شود شکاف در زمینه صنعت و فناوری بروز کرده و سپس این شکاف به بخش‌های دیگر از جمله تجارت، انرژی، خدمات و غیره سرایت می‌کند؛ این مسیر می‌تواند تا جایی ادامه پیدا کند که مشابه دوران جنگ سرد، کل زنجیره‌های بلوک‌های قدرت از یکدیگر منفک شوند. شایان ذکر است که در زمان شدت گرفتن ریسک‌ها، در هر لحظه امکان وقوع هر کدام از بخش‌های این طیف امکان‌پذیر بوده و شکل ۲ بیانگر شدت جهانی‌زدایی است نه ترتیب زمانی.

شکل ۲. طیف چندتکه‌شدن اقتصاد جهان



مأخذ: همان.

۴-۲. چندتکه‌شدن اقتصاد جهان و پاسخ‌های سیاستی

جهانی‌زدایی، کشورها را به واکنش‌های سیاستی مختلفی وا می‌دارد که همین واکنش، مجدداً به چندتکه‌شدن اقتصاد جهان دامن می‌زند؛ طیف مختلفی از این سیاست‌ها، منجر به تولید واژگان جدیدی در ادبیات اقتصادی شده است که مهم‌ترین و پرتکرارترین آنها عبارتند از:

● **بازگردانی یا فراخوانی زنجیره‌ها:**^۱ این اصطلاح به راهبرد انتقال مجدد صنایع و شرکت‌ها از بازارهای خارجی به کشور مبدأ اطلاق

1. Reshoring



شده و این رویکرد با هدف احیای صنایعی که پیش‌تر به دلیل ملاحظات رقابتی به سایر کشورها منتقل شده بودند، دنبال می‌شود. مهم‌ترین هدف این سیاست، تقویت توانمندی‌های تولید داخلی و کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین خارجی است؛ به‌ویژه در شرایطی که فشارها و اختلالات در زنجیره‌های تأمین، ضرورت افزایش خودکفایی صنعتی را برجسته کرده است [۱۰].

● **بارگذاری زنجیره‌ها در داخل:**^۱ این اصطلاح به فرایند استقرار، انتقال یا توسعه فعالیت‌های تجاری، تولیدی و خدماتی در داخل مرزهای همان کشوری که شرکت در آن مستقر است اطلاق می‌شود. این مفهوم از جهاتی با بازگردانی زنجیره تأمین شباهت دارد، اما تفاوت اساسی آنها در این است که به اصطلاح «ریشورینگ»^۲ به بازگرداندن یا فراخواندن عملیات از خارج کشور اشاره دارد، در حالی که «آن‌شورینگ» بر حفظ یا توسعه ظرفیت‌های تولیدی و عملیاتی در داخل کشور تأکید دارد. این رویکرد با هدف تقویت تولید ملی، کاهش وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی و افزایش انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین اتخاذ می‌شود [۱۱].

● **برون‌سپاری منطقه‌ای:**^۳ این اصطلاح به برون‌سپاری بخشی از فرایند تولید یا تأمین محصولات و خدمات به کشورهای خارجی مستقر در مناطق جغرافیایی نزدیک به کشور مبدأ اشاره دارد. مزیت اصلی برون‌سپاری منطقه‌ای (تولید مجاور) در این است که علاوه بر کاهش ریسک‌ها، کاهش هزینه‌ها و امکان عرضه محصولات با قیمت‌های رقابتی را فراهم کرده و هزینه‌های حمل‌ونقل را به دلیل کوتاه‌تر بودن مسیرهای لجستیکی کاهش می‌دهد. این رویکرد، نقش بسزایی در افزایش امنیت و کارایی زنجیره‌های تأمین ایفا می‌کند [۱۲]. این عبارت با مفهوم سیاست همسایگی می‌تواند بیشترین قرابت را داشته باشد.

● **زنجیره تأمین هم‌پیمانی:**^۴ این مفهوم که توسط جانت یلن، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده مطرح و شناخته شد، بر گسترش روابط و تنوع بخشی به زنجیره‌های تأمین از طریق همکاری با شرکای مورد اعتمادتر تأکید دارد. هدف از «هم‌پیمان‌محور کردن تأمین» بازسازی زنجیره‌های تأمین جهانی در راستای کاهش وابستگی به کشورهای غیر همسواست [۱۲]. از این عبارت می‌توان مفهوم سیاست همسویی را درک کرد.

● **همسوسپاری منطقه‌ای:**^۵ این عبارت از ترکیب دو مفهوم Nearshoring و Friendshoring حاصل می‌شود که نسبت به هر دوی این عبارات اولویت بیشتری دارد. این عبارت را نیز می‌تواند سیاست دوست‌همسایگی نامید. در واقع هر کشور همسایه‌ای، به لحاظ ژئوپلیتیکی همسو نیست و هر کشور همسویی، همسایه نیست؛ اما همسایه‌ای که همسو هم هست در شرایط ریسک‌های جهانی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

● **برون‌سپاری سبز محور:**^۶ این اصطلاح به انتقال فرایندهای تولید به کشورهایی که ملاحظات زیست‌محیطی را رعایت می‌کنند، اشاره دارد. این مفهوم شاید در ظاهر در راستای اهداف کلان پایداری و کاهش آثار کربنی مرتبط با زنجیره‌های تأمین باشد، اما در اصل در راستای ایجاد تاب‌آوری بیشتر برای تأمین انرژی است. از این رو، برون‌سپاری سبز محور هم در جهت تغییر نظم جهان مطرح شده است [۱۳].

1. Onshoring
2. Reshoring
3. Nearshoring
4. Friendshoring
5. Nearfriendshoring
6. Greenshoring

شکل ۳. سطوح مختلف پاسخ به اختلال چندتکه‌شدن



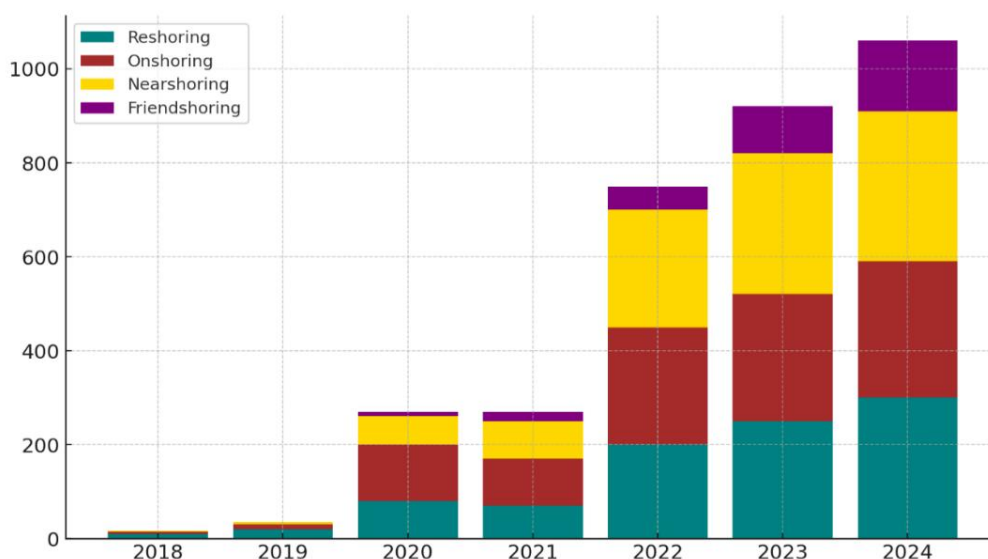
مأخذ: همان.

در شکل ۳، طیفی از این پاسخ‌های احتمالی فوق‌ترسیم شده است. برون‌سپاری منطقه‌ای (نقطه سمت چپ طیف)، اولین واکنشی است که کشورها در شرایط پرریسک ناشی از چندتکه‌شدن از خود نشان می‌دهند؛ اما لازم به تأکید است که این پاسخ زمانی داده می‌شود که کشور نزدیک، غیرهمسو نباشد. در صورت غیرهمسو بودن کشورهای همسایه، زنجیره تأمین هم‌پیمانی مطرح می‌شود؛ چراکه همسو و هم‌پیمان بودن کشورها در شرایط وجود ریسک‌های ناشی از چندتکه‌شدن، اولویت بیشتری نسبت به صرفاً نزدیک بودن دارد. پاسخ سیاستی شدیدتر، می‌تواند بازگردانی زنجیره تأمین و یا بارگذاری زنجیره‌ها در داخل باشد.

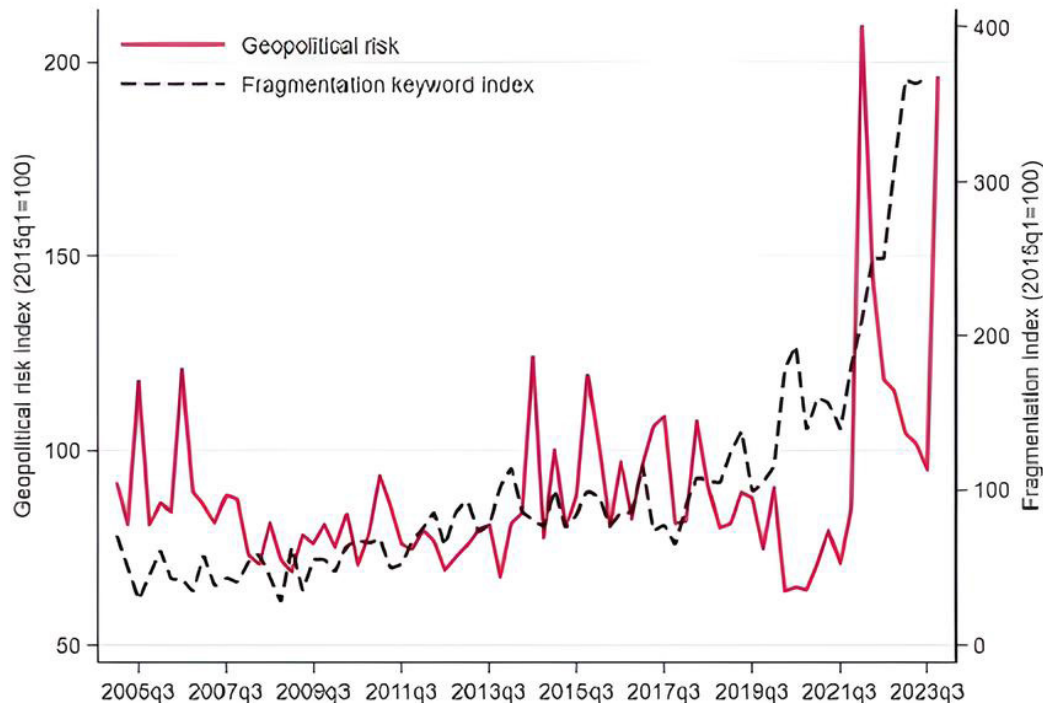
۵-۲. تواتر واژگان و عبارت‌های مرتبط با چندتکه‌شدن اقتصاد جهان

در شکل ۴، روند به‌کارگیری واژگان کلیدی در پاسخ به چندتکه‌شدن جهانی بررسی شده است. طبق این شکل، واژه تولید منطقه‌ای با اختلاف اندک نسبت به سایر واژه‌ها پرتکرارتر بوده، سپس واژه‌های بازگردانی تولید و بارگذاری زنجیره‌ها در داخل مفاهیم پرتکرار در این حوزه بوده‌اند؛ اما واژه زنجیره تولید هم‌پیمانی از سال ۲۰۲۲ آهنگ رشد بیشتری داشته است. در شکل ۵ نیز مشخص است که واژه چندتکه‌شدن و ریسک ژئوپلیتیک در مکتوبات و قراردادهای بین‌المللی کاربرد روزافزونی (خصوصاً بعد از جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲) پیدا کرده است.

شکل ۴. نمودار روند به‌کارگیری واژه‌های جدید در حوزه اقتصاد بین‌الملل در چند سال اخیر [۱۴]



شکل ۵. نمودار شاخص ریسک ژئوپلیتیک و شاخص واژگان مرتبط با چندتکه‌شدن جهان [۱۵]



۶-۲. جدال دیدگاه‌ها؛ از انکار تا تأیید پدیده چندتکه‌شدن جهان

در این بخش، دیدگاه اندیشکده‌ها و صاحب‌نظران معتبر در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل درباره چندتکه‌شدن جهان بررسی می‌شود. این بخش شامل دیدگاه‌های دو گروه است: گروه اول، کسانی هستند که وقوع پدیده چندتکه‌شدن را انکار می‌کنند. گروه دوم، وقوع چندتکه‌شدن را تأیید می‌کنند، اما در شدت و درجات وقوع چندتکه‌شدن اقتصاد جهان اختلاف نظر دارند.

۱-۶-۲. مخالفان با بروز پدیده چندتکه‌شدن

مخالفان پدیده چندتکه‌شدن را می‌توان درون خود به طیف‌های متفاوتی تقسیم‌بندی کرد. سرسخت‌ترین منتقدان، اساساً وقوع چندتکه‌شدن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی را انکار کرده و آن را بیشتر یک برداشت نادرست از تحولات جاری تلقی می‌کنند. گروهی دیگر بر این باورند که آنچه رخ داده، نه یک تجزیه فراگیر، بلکه جدایی انتخابی و مقطعی بوده و در نتیجه، نمی‌توان آن را مصداقی از چندتکه‌شدن دانست. استدلال این دسته آن است که هر چند نشانه‌هایی از جدایی گزینشی میان برخی قدرت‌های جهانی از جمله ایالات متحده، چین، اتحادیه اروپا و روسیه به چشم می‌خورد، اما این پدیده نه گسترده است و نه همه‌جانبه، بلکه صرفاً در بخش‌های خاصی از زنجیره‌های تأمین جهانی نمود یافته است. از این رو، جهانی‌زدایی به صورت کامل رخ نداده، بلکه تنها سرعت جهانی شدن کاهش یافته و مسیر آن دستخوش تغییر شده است. این گروه، به پشتوانه داده‌های اقتصادی و روندهای تجاری، چنین استدلال می‌کنند که با وجود تنش‌های سیاسی و سیاست‌های نوین حمایت‌گرایانه، تجارت جهانی پس از هر بحران عمده، توانسته بازبایی شود و حتی در برخی حوزه‌ها رشد یابد [۱۶]، [۱۷] و [۱۸].

برخی اندیشمندان این جریان فکری، گرچه شکل‌گیری زنجیره‌های تأمین هم‌پیمانی را تأیید می‌کنند، اما معتقدند که گرایش به منطقه‌ای‌شدن زنجیره‌ها هنوز آن چنان فراگیر نیست که بتوان از چندتکه‌شدن اقتصاد جهانی سخن گفت. از دیدگاه آنان، به‌رغم تحولات اخیر، پیوستگی اقتصاد جهانی حفظ شده و تغییرات مشاهده شده بیشتر به مثابه بازآرایی درون سیستمی زنجیره‌های تأمین تلقی می‌شود تا یک تجزیه بنیادین [۱۹].

در نهایت، این طیف از تحلیل‌گران معتقدند که با وجود افزایش سطح ریسک‌های ژئوپلیتیکی و تنش‌های اقتصادی، احتمال کاهش جدی همکاری‌های تجاری در سطح بین‌المللی ضعیف است. استدلال اصلی آنان بر این مبناست که اقتصادهای غربی همچنان نیازمند محصولات ارزان‌قیمت و باکیفیت چینی هستند و سرمایه‌گذاری‌های متقابل میان کشورها در مقیاس کلان، عاملی بازدارنده در برابر جدایی اقتصادی کامل خواهد بود. البته، آنان احتمال می‌دهند که همکاری‌های بین‌المللی صرفاً در حوزه‌های راهبردی، فناوری‌های پیشرفته و برخی صنایع خاص محدود شده است [۲۰].

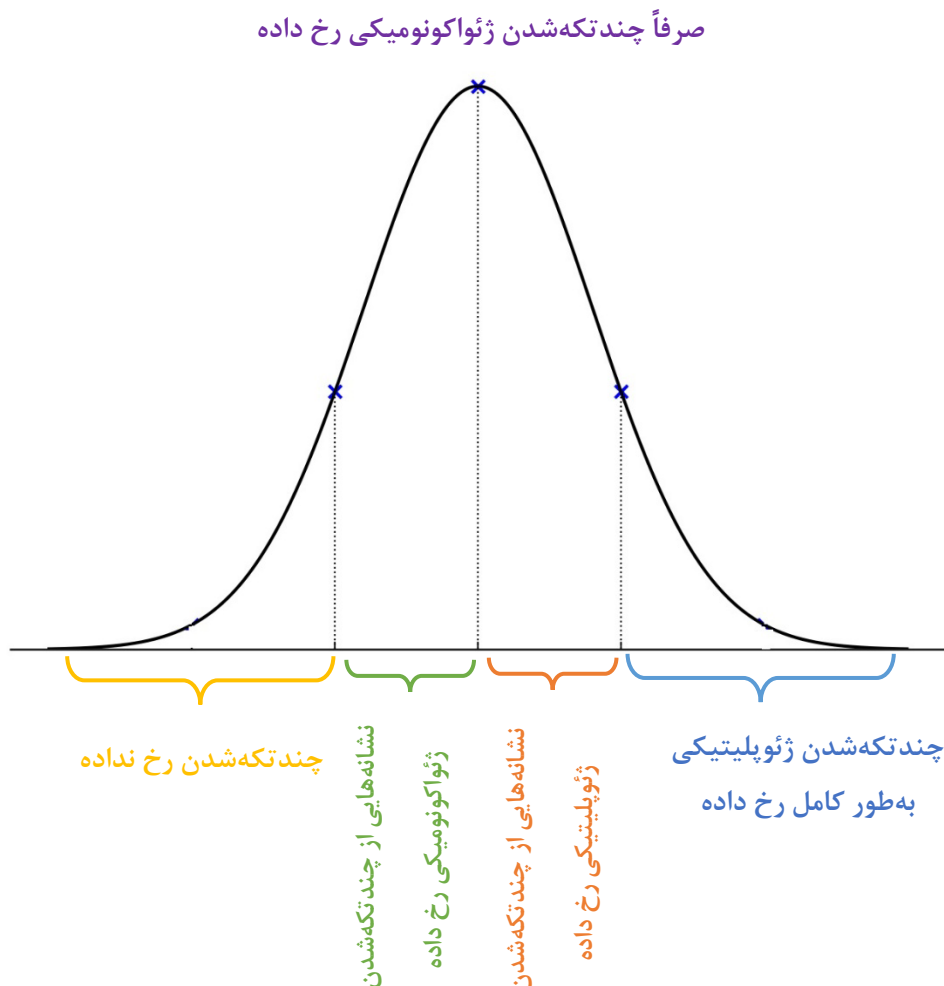
۲-۶-۲. موافقان بروز پدیده چندتکه‌شدن

اندیشکده‌ها و صاحب‌نظرانی که پدیده چندتکه‌شدن را تأیید کرده‌اند، خود به طیفی از دیدگاه‌های متنوع تقسیم می‌شوند. بخشی از این اندیشمندان معتقدند که چندتکه‌شدن صرفاً در برخی ابعاد اقتصاد جهانی، به‌ویژه جریان‌های سرمایه بین‌المللی، به‌وقوع پیوسته است؛ با این حال، آنان از تأیید وقوع تجزیه کامل ژئوپلیتیکی اجتناب می‌ورزند. این گروه بر شواهد اولیه‌ای از جدایی در جریان‌های سرمایه‌فرامرزی اشاره دارند که عمدتاً در بخش‌های حساس و راهبردی مشاهده می‌شود [۲۱]. به باور آنان، هر چند تنش‌های ژئوپلیتیکی تأثیرات قابل توجهی بر الگوهای سرمایه‌گذاری داشته است، اما این تأثیرات به گونه‌ای نیست که بتوان از یک فروپاشی سیستماتیک سخن گفت.

از سوی دیگر، گروهی دیگر از اندیشمندان بر این باورند که چندتکه‌شدن به حوزه‌هایی فراتر از سرمایه، صنعت و فناوری نیز سرایت کرده است. این دسته معتقدند که جهان در حال دور شدن از یکپارچگی کامل اقتصادی و حرکت به سوی نظامی متکثر و پراکنده است. اگرچه این گروه جهانی‌زدایی را یک پدیده تکمیل‌شده نمی‌دانند، اما به‌طور قاطع بر این باورند که تغییرات جاری در الگوهای تجارت، افزایش محدودیت‌های اقتصادی و تقسیمات تجاری بین بلوک‌های مختلف، نشان از ظهور یک نظم نوین تجاری دارد [۲۲]. این دیدگاه تصریح می‌کند که سرعت و عمق این تغییرات به عواملی همچون تنش‌های سیاسی و منافع ژئواکونومیک کشورهای وابسته است. طیف دیگری از اندیشمندان، وقوع چندتکه‌شدن ژئواکونومیک را در تمامی ابعاد اقتصاد تأیید کرده و معتقدند این پدیده تأثیرات سرریز قابل توجهی بر یکپارچگی اقتصادی جهانی گذاشته است. این تحلیل‌گران با تأکید بر وجود محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و سیاست‌های تجاری محدودکننده، بیان می‌کنند در حالی که چندتکه‌شدن ژئوپلیتیکی هنوز به صورت کامل رخ نداده، اما آثار آن به‌طور فزاینده در حال نمایان شدن است [۲۳]، [۲۴] و [۲۵]. گروهی دیگر از صاحب‌نظران، چندتکه‌شدن را نه تنها در حوزه‌های اقتصادی، بلکه در عرصه سیاست نیز تأیید می‌کنند. به باور این تحلیل‌گران، پیوندهای جهانی در بحبوحه افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی و سیاست‌های معطوف به تقویت تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین و امنیت ملی در حال تغییر هستند. این گروه معتقدند که تجارت و سایر تعاملات اقتصادی میان کشورهای همسودر حال گسترش و میان کشورهای غیرهمسودر حال کاهش است؛ از این رو، نوعی بلوک‌بندی ژئوپلیتیکی در جریان است که فراتر از صرفاً بخش‌های اقتصادی بوده و ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز دربرمی‌گیرد. به رغم این، آنان هشدار می‌دهند که عمق این شکاف هنوز به حدی نرسیده که بتوان آن را معادل یک جنگ سرد تمام‌عیار دانست [۲۶]، [۲۷] و [۲۸]. این دسته از تحلیل‌گران معتقدند که نظم ژئوپلیتیکی جهان در حال بازآرایی است و این تغییرات به‌طور مستقیم بر الگوهای تجارت جهانی تأثیرگذار خواهد بود. آنان تأکید می‌کنند که این تغییرات، شرکت‌ها را ملزم می‌سازد تا استراتژی‌های جدیدی برای مدیریت زنجیره‌های تأمین و بهره‌برداری از مزایا و مقابله با معایب مسیرهای نوظهور اتخاذ کنند. گروه دیگری قائل به آغاز مسیر چندتکه‌شدن ژئوپلیتیکی بوده و معتقدند این رویداد یک پدیده موقتی نیست، بلکه نشانگر تغییرات ساختاری اساسی در روابط جهانی است. این تحلیل‌گران هشدار می‌دهند که در صورت تداوم تنش‌های ژئوپلیتیکی، این شکاف‌ها عمیق‌تر شده و آثار سرریز آن بر تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی برجسته‌تر خواهد شد [۲۹]، [۳۰]، [۳۱]، [۳۲]، [۳۳]، [۳] و [۳۴].

در نهایت، بررسی دیدگاه‌های اندیشکده‌های معتبر از منظر کمی، نشان می‌دهد که اکثر صاحب‌نظران، چندتکه‌شدن در حوزه ژئواکونومیک را تأیید کرده و معتقدند که با وجود افزایش تجارت میان کشورهای همسودر، آمار کلی تجارت جهانی کاهش نیافته است. با این حال، تجارت، سرمایه‌گذاری، صنعت و فناوری میان کشورهای غیرهمسودچار کاهش قابل توجهی شده و این امر شکل واضح‌تری از تحولات آتی اقتصاد جهانی ارائه می‌دهد.

شکل ۶. نمودار توزیع پراکندگی دیدگاه اندیشکده‌های معتبر و صاحب‌نظران حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل [۱۵]



۳. چندتکه‌شدن اقتصاد جهان و دگرگونی در انگاره‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذاری در زمینه اقتصاد بین‌الملل



هر زمانه‌ای سیاست‌گذاری متناسب با شرایط زمانه خود را می‌طلبد. در دوران جهانی‌سازی، مفاهیمی همچون جهانی‌شدن، تولید مشترک، و زنجیره‌های تأمین و ارزش جهانی به‌طور فزاینده‌ای اهمیت یافتند، اما به تناسب حرکت جهان به سمت چندتکه‌شدن، انگاره‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذاری دستخوش تغییر و تحول شده است [۳۱]. در ادامه مهم‌ترین تطورات در زمینه انگاره‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذاری در زمانه چندتکه‌شدن اقتصاد جهان مورد شرح قرار گرفته است:

- در دوره جهانی‌سازی، رویدادهایی نظیر برداشتن یا کاهش تعرفه‌های گمرکی، برون‌سپاری فعالیت‌های اقتصادی از دولت، مقررات‌زدایی، آزادسازی بازارها، جهانی‌سازی زنجیره‌های تأمین و ارزش و... به کرات رخ داد؛ وجه مشخصه این دوران، عدم موضوعیت تحولات ژئوپلیتیک در محاسبات مرتبط با بارگذاری زنجیره‌های ارزش و تأمین و همچنین مسطح فرض کردن جهان تعاملات اقتصادی (به این معنا که

ملاحظات سیاسی به عنوان مانع روابط اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شد) بود، اما دنیای جدید، به سمت جداسازی، ریسک‌زدایی، چندتکه‌شدن و منطقه‌ای‌سازی زنجیره‌های تأمین و ارزش در حرکت است به گونه‌ای که دیگر کشورها و شرکت‌ها صرفاً به دنبال ارزان‌ترین مسیر برای طرح‌ریزی زنجیره ارزش خود نیستند؛ بلکه تاب‌آورترین و پایدارترین آنها را انتخاب می‌کنند [۳۵]. به عبارت دیگر، در دنیای جدید، تاب‌آوری زنجیره‌ها، به مقوله‌ای مهم‌تر از کمینه‌سازی هزینه‌ها آنها تبدیل شده است. شایان ذکر است هر چند افزایش تاب‌آوری زنجیره‌ها می‌تواند اشتراکات مفهومی با مدیریت ریسک داشته باشد، اما تفاوت مهمی نیز با این مفهوم دارند. به بیان دیگر، مدیریت ریسک در زنجیره‌ها، همواره مورد توجه است، خواه مخاطرات ژئوپلیتیکی رخ دهد یا ندهد، اما اقدام به تاب‌آورتر کردن زنجیره‌ها واکنشی است که در زمان وجود بحران‌های عمیق‌تری بروز می‌یابد.

● در دوره جهانی‌سازی، اصل «مزیت نسبی» به عنوان بنیان تفکر اقتصادی رایج مطرح شد و پیروی از اصول جهانی‌سازی به یکی از خطوط راهبردی سیاستگذاران اقتصادی تبدیل شد. در دوره جهانی‌سازی این باور عمیق وجود داشت که گسترش تجارت بین کشورها و تعمیق پیوندهای اقتصادی، جهان را به مکانی امن‌تر برای زندگی تبدیل می‌کند، اما هم‌زمان با حرکت جهان به سمت چندتکه‌شدن، گفتمان دیگری پرتکرار شده مبنی بر اینکه «هر سطحی از وابستگی اقتصادی می‌تواند به ابزاری جهت تحکیم سیاسی تبدیل شود».

● در دوران پیشین، تصمیمات سیاستگذاران اقتصادی و مدیران شرکت‌های بزرگ عمدتاً بر پایه حداکثرسازی حاشیه سود و کمینه‌سازی هزینه‌های اقتصادی در یک جهان عاری از ریسک ژئوپلیتیک اتخاذ می‌شد. در حال حاضر، امنیتی‌سازی سیاست‌های اقتصادی و اقتصادی‌سازی سیاست‌های راهبردی به امری رایج تبدیل شده است.

● در حال حاضر به صورت عام، در دوره‌های تعمیق شکاف‌های ژئوپلیتیک، سبک جدیدی از تقابل و رویارویی، میان قدرت‌های اصلی جهان رواج پیدا می‌کند؛ اگرچه اصل تنازع و مخاصمه بین قدرت‌ها، ذیل امر سیاسی صورت‌بندی می‌شود، اما در چنین زمان‌هایی برای ضربه زدن به حریف از ابزارهای اقتصادی متنوعی نیز بهره گرفته می‌شود.

تحریم، یکی از ابزارهای مهم و کاربردی این سبک از رویارویی است که تا به حال علیه تعدادی از کنشگران اصلی جهانی مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما تقابل اقتصادی ابرقدرت‌ها، محدود به «تحریم» نبوده و اینک ابزارهای متعدد دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرند [۳۶]. در زمان تعمیق تنش‌های ژئوپلیتیک، تقویت سیاست‌های صنعتی، بازتعریف زنجیره‌های ارزش و افزایش امنیت در زنجیره‌های تأمین از جمله اقداماتی است که در راستای این رویکرد جدید، تحت مفهوم «امنیت اقتصادی» تعریف می‌شود [۳۷]. به بیان بهتر، سیاست صنعتی، مقررات و محدودیت‌های مرتبط با تجارت، قواعد سرمایه‌گذاری خارجی، وضع محدودیت در مقابل توسعه محصولات دارای کاربرد دوگانه و... علاوه بر تحریم، ابزارهایی اقتصادی در راستای تنازع سیاسی هستند که می‌توان آنها را ابزارهای جدید اقتصاد جهت تحکیم سیاسی نام‌گذاری کرد [۳۸] و [۳۹].

شکل زیر به صورت شماتیک، توضیح می‌دهد که متعاقب حرکت اقتصاد جهان به سمت چندتکه‌شدن، عمده انگاره‌ها و اولویت‌های سیاستگذاری که می‌تواند دستخوش تغییر شود کدامند و دچار چه تغییر و تحولاتی شده‌اند. شایان ذکر است که شدت و ضعف حرکت کشورها و کنشگران به سمت انگاره‌های جدید مشابه نیست. شکل ۷ در مقام مقایسه دو زاویه نگاه است.



شکل ۷. چندتکه شدن اقتصاد جهان و دگرگونی در انگاره‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذاری در زمینه اقتصاد بین‌الملل [۱۵]

حداقل‌سازی هزینه‌ها و حداکثرسازی سود در یک جهان عاری از ریسک	←	تاب‌آوری اقتصادی
تجارت، جهان را به جای امن‌تری برای زندگی تبدیل می‌کند.	←	هر سطحی از وابستگی اقتصادی می‌تواند به ابزاری جهت تحکیم سیاسی تبدیل شود.
جهان مسطح و تعاملات اقتصادی عاری از هرگونه عوارض و موانع سیاسی - امنیتی	←	امنیتی‌سازی سیاست‌های اقتصادی و اقتصادی‌سازی سیاست‌های استراتژیک
برون‌سپاری زنجیره‌های ارزش و تأمین	←	بارگذاری مجدد زنجیره‌های ارزش و تأمین در جغرافیای دوست و نزدیک
مرکزیت اصل «مزیت نسبی» و ضرورت عضویت در تقسیم کار جهانی	←	ضرورت ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین و ارزش
ضرورت کوچک‌کردن فضای همپوشان دایره اقتصاد و دایره سیاست	←	امکان استفاده از وابستگی و درهم‌تنیدگی اقتصادی جهت ضربه به رقبای سیاسی
تأمین، دقیقاً در زمان نیاز (supply, just in time)	←	ایمن‌سازی تأمین به تناسب سناریوها و ریسک‌ها (Supply, just in Case)

۴. چندتکه شدن اقتصاد جهان در چه بخش‌هایی نمایان شده است؟

در دهه‌های اخیر، جهانی شدن به عنوان عاملی مهم در پیوند اقتصادها، بهینه‌سازی زنجیره‌های تأمین و تسهیل جریان سرمایه و فناوری شناخته شده است. با این حال، روندهای ژئوپلیتیکی، منازعات تجاری، تحریم‌ها و تحولات فناوری منجر به چندپارگی فزاینده در ساختارهای بین‌المللی شده‌اند. حسب بررسی‌ها، تاکنون چندتکه شدن اقتصاد جهان در حوزه‌های مختلفی نمایان شده که البته شدت و ضعف آن در حوزه‌های مختلف کاملاً متفاوت است. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: نظام پرداخت‌های بین‌المللی و ترکیب سبد ارزی کشورها، سرمایه‌گذاری خارجی، صنعت و فناوری، تجارت جهانی، زنجیره‌های تأمین، شبکه‌های دیجیتال و زیرساخت‌های حیاتی.

۴-۱. نظام پرداخت‌ها و ترکیب سبد ارزی

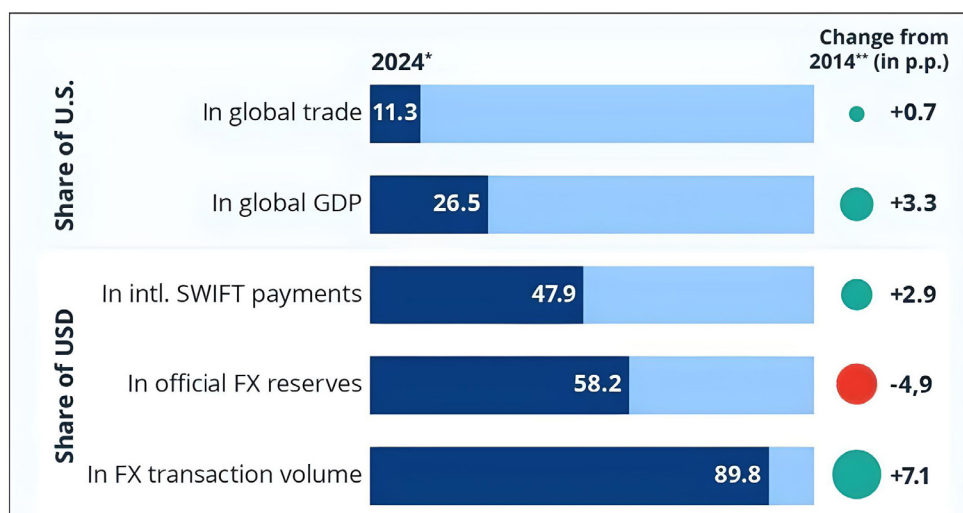
در یک جهان چندتکه، حتی نظام پرداخت‌ها نیز رویه مجزایی خواهد داشت. در زمانی که تجارت جهانی و زنجیره‌های عرضه بازتنظیم می‌شوند و به دسته‌هایی از کشورها گره می‌خورند، جهانی‌سازی نظام پولی می‌تواند جای خود را به «منطقه‌ای‌سازی» بدهد، به طوری که هماهنگی کشورها در استفاده از ابزارهای پولی، از سطح کلان و جهانی به سطح منطقه‌ای تنزل پیدا می‌کند. تحت یک جهان چندتکه شده، مقررات پولی و نظارت بر جریان سرمایه (که تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های پولی کشورهاست) به صورت پراکنده‌تری اجرایی خواهند شد و در نتیجه، احتمال بروز بحران‌ها و شوک افزایش یافته، تعدیل در راستای جذب شوک با کُندی صورت می‌گیرد و دسترسی به منابع نقدشونده جهانی کاهش می‌یابد. این مهم از طریق ابزارهایی چون استفاده گسترده از ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی^۱، سیستم‌های جایگزین سوئیفت انجام می‌پذیرد [۴۰] و [۴۱].

همچنین به دلیل محدودیت‌ها و تحریم‌های مالی و بانکی، برخی کشورها به دنبال ایجاد سیستم‌های جایگزین هستند. برای مثال، روسیه در حال توسعه سیستم پرداخت بین‌المللی خود است تا وابستگی به سوئیفت را کاهش دهد [۴۲].

۱. ارزهای دیجیتال بانک مرکزی، نسخه‌های دیجیتالی ارزهای ملی هستند که توسط بانک‌های مرکزی صادر می‌شوند. این ارزها با هدف بهبود کارایی پرداخت‌ها، کاهش هزینه‌ها و افزایش شمول مالی توسعه یافته‌اند. برای مثال، بانک مرکزی چین در حال آزمایش یوان دیجیتال است که می‌تواند پرداخت‌های بین‌المللی را در عرض چند ثانیه انجام داده و هزینه‌ها را تا ۵۰ درصد کاهش دهد.

از طرف دیگر چندتکه‌شدن اقتصاد جهان همچنین می‌تواند منجر به تغییر در ترجیحات کشورها نسبت به ترکیب ذخایر ارز خارجی آنها شود که این امر کشورها را به متنوع‌تر کردن ترکیب سبد ارزی خود تشویق می‌کند تا وابستگی خود به ارزهای مسلطی مانند دلار و یورو کاهش دهند. این موضوع می‌تواند به افزایش استفاده از ارزهای منطقه‌ای و دوجانبه در تجارت بین‌المللی منجر شود. براساس شکل زیر، با وجود آنکه سهم دلار در تجارت جهانی به ۱۱,۳ درصد و در حجم معاملات ارزی به ۸۹,۸ درصد و در پرداخت‌های بین‌المللی از طریق سیستم سوئیفت به ۴۷,۹ درصد رسیده است با این حال، سهم دلار در ذخایر ارزی رسمی کشورهای جهان کاهش یافته و طی سال ۲۰۲۴ میلادی به ۵۸,۲ درصد رسیده است که در مقایسه با ۶۳,۱ درصد در سال ۲۰۱۴ میلادی کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد. از آنجاکه تصمیم‌گیری درباره ترکیب ذخایر رسمی ارزی (نظیر دلار، یورو، ین، طلا و غیره) عمدتاً بر عهده بانک مرکزی یا نهاد پولی هر کشور است، می‌توان گفت که این تغییرات نشان‌دهنده تلاش چراغ خاموش کشورهای مختلف برای کاهش وابستگی به دلار در ذخایر رسمی خود است. اهمیت شکل ۸ در آن است که کاهش سطح ذخایر دلاری، نشانه مهمی از چشم‌انداز کشورها نسبت به پایداری و ماندگاری دلار است. به بیان دیگر، اگرچه سطح تجارت با دلار (به عنوان پارامتری از تراکنش‌های جاری بین‌المللی) افزایش یافته، اما کاهش دلار در «سبد ذخایر ارزی» کشورها، نشانه‌ای از نااطمینانی آنها نسبت به جهان‌روایی دلار است.

شکل ۸. نمودار سهم کاهشی دلار در ذخایر ارزی رسمی [۴۳]



حتی در چنین شرایطی کشورها برای انجام پرداخت‌های بین‌المللی به معاوضه طلا و یا خرید و فروش آن روی می‌آورند؛ برای مثال در بازه زمانی ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۳، خرید ذخایر طلا توسط بانک‌های مرکزی به شدت افزایش یافته است. از منظر سیاسی طلا به عنوان دارایی ایمن تلقی می‌شود که می‌تواند در کشور میزبان ذخیره شود و در نتیجه، در مقابل تحریم یا مصادره در امان است، اما نمی‌تواند به راحتی مورد مبادله قرار گیرد. نکته دیگر آن است که حرکت جهان به سمت چندتکه‌شدن، هماهنگی میان ناشران ارز ذخیره را کاهش داده و منجر به تضعیف یا تخریب شبکه و توافقات سواپ ارزی^۱ میان بانک‌های مرکزی می‌شود [۲۶].

۴-۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جدید معمولاً اولین حوزه‌ای است که در اثر چندتکه‌شدن ژئواکونومیک جهان آسیب می‌بیند، چراکه به تنش‌های ژئوپلیتیکی و وابستگی‌های اقتصادی میان کشورها حساسیت زیادی دارد. چندتکه‌شدن اقتصاد جهان می‌تواند زنجیره تأمین

۱. خط سواپ ارزی، توافقی بین دو بانک مرکزی برای مبادله ارز است. این توافق به بانک مرکزی امکان می‌دهد نقدینگی ارز خارجی را از بانک مرکزی صادر کننده آن دریافت کند؛ این توافق به این دلیل منعقد می‌شود که معمولاً بانک‌های مرکزی موظفند مقدار کافی از ارز خارجی را در اختیار بانک‌های تجاری داخلی قرار دهند.

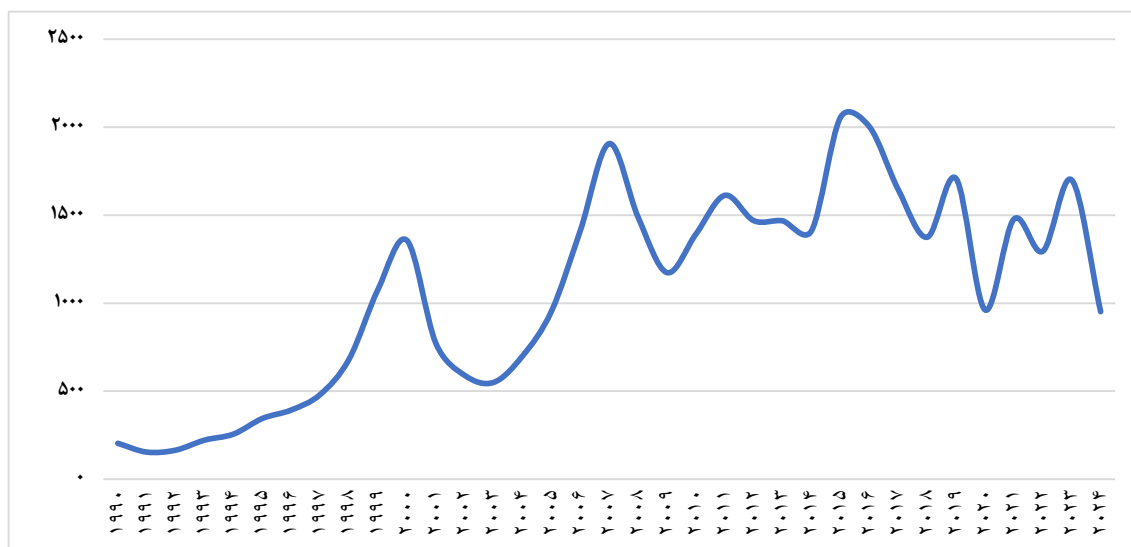


جهانی را مختل کند، سیاست‌های حمایتی را افزایش و استانداردهای ناسازگار و متناقض میان کشورها را گسترش دهد. در نتیجه، شرکت‌های چندملیتی با چالش‌های جدیدی روبه‌رو می‌شوند که بر تصمیمات سرمایه‌گذاری آنها تأثیر می‌گذارد و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به‌ویژه در بخش‌های حساس و استراتژیک کاهش می‌یابد.

این روند باعث می‌شود شرکت‌ها در معرض ریسک‌های ژئوپلیتیکی بیشتری قرار بگیرند و رویکردی محافظه‌کارانه‌تر در تخصیص سرمایه اتخاذ کنند. به‌طور کلی، در شرایطی که پویایی‌های سیاسی و اقتصادی در سطح جهانی روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند، سرمایه‌گذاری بیش از پیش آسیب‌پذیر می‌شود. شرکت‌ها باید در میان تغییرات اتحادها و محدودیت‌های دسترسی به بازار، مسیر خود را پیدا کنند.

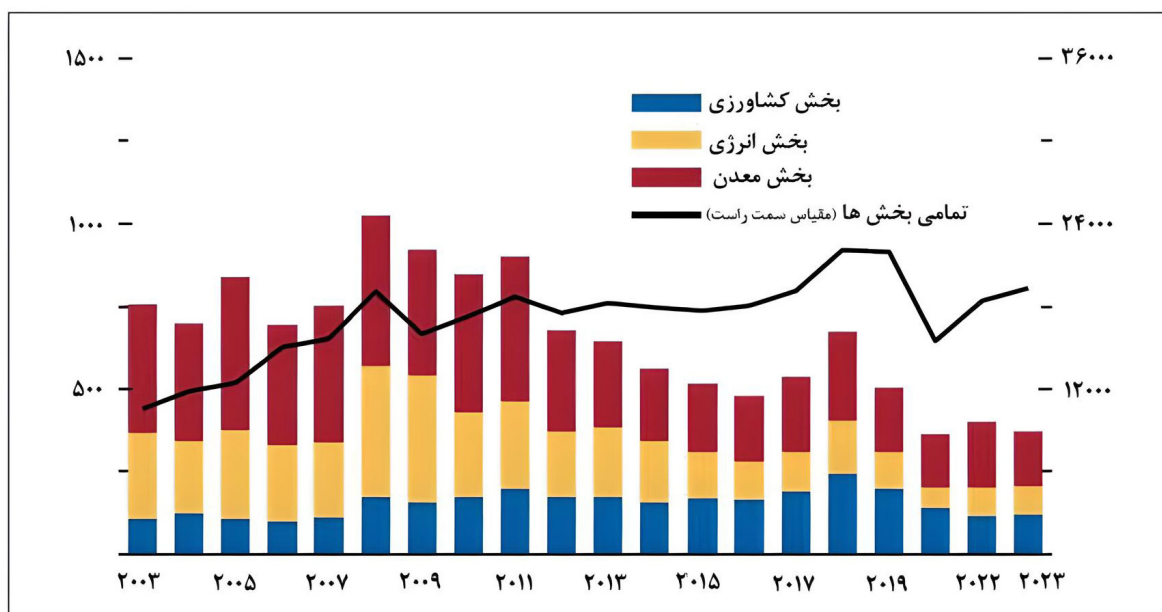
در سال‌های اخیر، به‌ویژه از زمان آغاز جنگ اوکراین و تشدید رقابت اقتصادی بین ایالات متحده و چین، تغییرات محسوسی در جریان‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی مشاهده شده است. این تغییرات عمدتاً به دلیل افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی، تحریم‌ها، سیاست‌های حمایتی و تلاش دولت‌ها برای کاهش وابستگی به کشورهای رقیب رخ داده است. پس از جنگ اوکراین، سرمایه‌گذاری بین کشورهای غربی و کشورهای همسویا چین و روسیه کاهش یافته است؛ به‌طور خاص آمریکا و اروپا در حال وضع قوانین و محدودیت‌هایی برای کاهش وابستگی به چین هستند [۲۶]. همچنین براساس گزارش منتشر شده از سوی کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد) در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به اقتصادهای در حال توسعه در سال ۲۰۲۴ با کاهش ۲ درصدی مواجه شده و برای دومین سال متوالی روندی نزولی را تجربه کرده است. این کاهش به‌ویژه در تأمین مالی پروژه‌های بین‌المللی مشهود بوده، به گونه‌ای که تعداد پروژه‌های اعلام‌شده در این حوزه با افت ۳۱ درصدی همراه بوده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهانی در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال قبل از آن، ۸ درصد کاهش یافته است. از منظر منطقه‌ای، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آسیا با کاهش ۷ درصدی مواجه شده است. در این میان، چین با افت ۲۹ درصدی، شاهد کاهش ۴۰ درصدی سرمایه‌گذاری ورودی نسبت به اوج خود در سال ۲۰۲۲ بوده است. در مقابل، هند با افزایش ۱۳ درصدی، روندی مثبت را تجربه کرده که عمدتاً ناشی از رشد پروژه‌های جدید در حوزه پایدار محیط زیست^۱ است. آنکتاد پیش‌بینی می‌کند که کاهش مستمر در سرمایه‌گذاری‌های جدید و محدودیت در تأمین مالی پروژه‌های بین‌المللی، در سال‌های آتی نیز ادامه خواهد داشت. در نهایت، انتظار می‌رود در حالی که چشم‌انداز سرمایه‌گذاری جهانی همچنان تحت تأثیر تحولات اقتصادی و ژئوپلیتیکی قرار دارد، تنش‌های بین‌المللی و عدم اطمینان اقتصادی از چالش‌های اساسی برای اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قلمداد شود [۴۴].

شکل ۹. نمودار روند حجم سرمایه‌گذاری خارجی در جهان (میلیارد دلار) [۴۵]



طبق شکل ۹ از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهانی، با افت و خیزهای متعددی همراه بوده که روند کلی نزولی بوده است. انتشار سیاست صنعتی چین ۲۰۲۵، جنگ تجاری ۲۰۱۸ آمریکا و چین، کووید ۱۹ در سال ۲۰۱۹ و جنگ روسیه در سال ۲۰۲۲ در همین بازه زمانی رخ داده است.

شکل ۱۰. نمودار تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حوزه‌های مختلف [۴۶]



با توجه به شکل ۱۰، از سال ۲۰۱۸، تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های کشاورزی، انرژی و معدن نسبت به میانگین تمام بخش‌ها بسیار کمتر شده است و این حوزه‌ها، مهم‌ترین بخش‌هایی هستند که چندتکه‌شدن در آنها بروز بیشتری یافته و در بین این سه بخش نیز، بخش انرژی، کشاورزی و سپس معدن به ترتیب بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند.

اگرچه بعد از بحران‌های فوق، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش یافته است، اما گسست ژئواکونومیک و تغییر جریان سرمایه در امتداد خطوط گسل ژئوپلیتیکی و ظهور بلوک‌های منطقه‌ای بالقوه نیز عناصر جدیدی هستند که می‌توانند کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های اخیر را توضیح دهند. جدول ۲، به خوبی می‌تواند گزاره فوق را توضیح دهد. این جدول نشان‌دهنده بازتوزیع مقصد جغرافیایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا به بیان دیگر، توضیح‌دهنده بازندگان و برندگان انتقال جغرافیایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ناشی از این گسست هستند.

جدول ۱. تخصیص مجدد در سبد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سراسر مناطق جهان [۴۷]

سایر جهان	۱۸.۶	- ۲۴.۷	- ۳.۷	۱۱.۴	۵.۳	۷.۱	۲۶.۴
چین	- ۳۱.۹		- ۴۴.۳	- ۳۱.۳	- ۱۷.۸	- ۶.۹	- ۲۲.۱
آسیا به استثنای چین	- ۴.۴	- ۴۹.۲	- ۲۳.۷	- ۲.۴	- ۱۱.۷	- ۸.۷	- ۳.۲
اروپای در حال ظهور	- ۱۱.۵	۱۳.۹	- ۲۲.۳	۱۸.۱	۹.۹	۲.۹	۲۷.۶
اروپای پیشرفته	۸.۶	- ۱۹.۷	- ۹.۸	- ۰.۹	۹.۳	- ۱۱.۷	۷.۵
آمریکا به جز ایالات متحده	۲۷.۶	- ۱۳.۳	۵.۹	۳۴.۰	۱۴.۹	۲۷.۳	۱۸.۶
ایالات متحده آمریکا	۲۱.۶	- ۴۰.۶	۲.۳	۱۹.۴	۰.۶	۹.۲	
سایر جهان			آسیا به استثنای چین	اروپای در حال ظهور	اروپای پیشرفته	آمریکا به جز ایالات متحده	ایالات متحده آمریکا

توضیح: در این جدول، تغییر میزان سرمایه‌گذاری در بازه زمانی فصل دوم ۲۰۲۰ تا فصل چهارم ۲۰۲۲ نسبت به بازه فصل اول ۲۰۱۵ الی فصل اول ۲۰۲۰، براساس مبدأ و مقصد جغرافیایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. رنگ سبز، نشان‌دهنده افزایش و رنگ قرمز نشان‌دهنده کاهش است.^۱

در سال‌های اخیر، شرکت‌ها و سیاستگذاران بیش از پیش به اتخاذ راهبردهایی مانند زنجیره تأمین هم‌پیمانی و بازگردانی زنجیره تأمین روی آورده‌اند. این استراتژی‌ها، فرایندهای تولید را به کشورهای منتقل می‌کنند که از نظر سیاسی و اقتصادی همسو بوده و قابل اعتماد تلقی می‌شوند. هدف اصلی این اقدام، افزایش انعطاف‌پذیری زنجیره‌های تأمین و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تنش‌های ژئوپلیتیکی است. بررسی گزارش‌های مربوط به درآمد شرکت‌های چندملیتی نشان می‌دهد که با تشدید فاصله ژئوپلیتیکی میان کشورها، تمایل شرکت‌ها به استفاده از زنجیره تأمین هم‌پیمانی و بازگردانی زنجیره تأمین نیز افزایش می‌یابد. این روند، تأثیر بسزایی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت‌ها و کشورها خواهد داشت. مطالعات صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر بین کشورهایی انجام شده که از منظر ژئوپلیتیکی به یکدیگر نزدیک‌تر هستند. این همسویی ژئوپلیتیکی به‌ویژه برای اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه اهمیت دارد و از سال ۲۰۱۸، هم‌زمان با تشدید تنش‌های تجاری بین ایالات متحده و چین، این عامل نقش پررنگ‌تری در جهت‌گیری سرمایه‌گذاری بین‌المللی پیدا کرده است.

کاتالان و همکاران (۲۰۲۴) با استفاده از مدل جاذبه دریافتند که تنش‌های ژئوپلیتیکی میان کشورها موجب شده که صندوق‌های سرمایه‌گذاری، ترکیب دارایی‌های بین‌المللی خود را براساس ملاحظات سیاسی بازبینی کنند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که این صندوق‌ها تمایل دارند سهم کمتری از پرتفوی خود را به کشورهایی که از نظر ژئوپلیتیکی فاصله دارند، اختصاص دهند. این فاصله ژئوپلیتیکی بر مبنای الگوی رأی‌گیری کشورها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد محاسبه شده است. پیامد این روند آن است که هرگونه افزایش ناگهانی در «فاصله ژئوپلیتیکی» میان دو کشور می‌تواند به خروج گسترده سرمایه و تضعیف روابط مالی دوجانبه بینجامد [۴۸].

۱. منظور از «اروپای نوظهور» به گروهی از کشورهای اروپایی اطلاق می‌شود که در حال توسعه اقتصاد و ادغام در بازار جهانی هستند. این اصطلاح معمولاً شامل کشورهایی می‌شود که در حال گذار از اقتصادهای برنامه‌ریزی شده متمرکز به اقتصادهای بازار محور هستند که اغلب با سطوح درآمد پایین‌تر در مقایسه با کشورهای اروپای غربی مشخص می‌شوند.
منظور از «اروپای پیشرفته» به کشورهای توسعه‌یافته‌تر و از نظر اقتصادی با ثبات‌تر در اروپا اشاره دارد. این کشورها معمولاً در مقایسه با هم‌تایان نوظهور خود دارای سطوح درآمد بالاتر، اقتصاد بازار تثبیت شده و زیرساخت‌های قوی هستند.

۳-۴. صنعت و فناوری

صنعت و فناوری بخش دیگری هستند که نشانه‌های چندتکه‌شدن جهانی در آنها بروز یافته است. چین در سال ۲۰۱۵ سیاست صنعتی خود تا سال ۲۰۲۵ را مبتنی بر فناوری‌های جدید تعریف کرد. این سند تلاش می‌کند موقعیت چین را به عنوان یک قدرت جهانی در صنایع با فناوری پیشرفته تضمین کند و هدف آن کاهش اتکای چین به واردات فناوری خارجی و افزایش توانمندی شرکت‌های چینی در داخل برای افزایش رقابت با هم‌تایان در سطح جهانی است. این استراتژی ۱۰ ساله و جامع به شدت بر تولید هوشمند در ۱۰ بخش استراتژیک متمرکز بوده و هدف آن تضمین موقعیت چین به عنوان یک قدرت جهانی در صنایع پیشرفته است. این کشور هم‌زمان از طریق پروژه‌هایی نظیر ابتکار کمربند و راه نیز در پی شکل‌دهی به یک زنجیره ارزش صنعتی در منطقه اوراسیاست که نقش مهمی در گسترش نفوذ بین‌المللی این کشور خواهد داشت [۴۹]. از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا که زمانی، از حامیان سرسخت بازار آزاد و سیستم تولید جهانی بود و گزاره‌های توصیه شده مبتنی بر اجماع واشنگتن را اشاعه می‌داد، در شرایط کنونی و در پاسخ به سند سیاست صنعتی چین، با تأکید بر این گزاره که «گستره نفوذ در سیاست خارجی متکی بر میزان توانمندی داخلی است» برای جلوگیری از روند افول و بازسازی قدرت ملی، از سیاست‌های بازار آزاد عقب‌نشینی کرده و با تجدیدنظر در آن، سرمایه‌گذاری در صنعت و فناوری داخلی را به مهم‌ترین اولویت امنیت ملی خود تبدیل کرده و در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ خود، از صنعت و فناوری به عنوان پایه‌های اصلی قدرت ملی این کشور نام برده است.

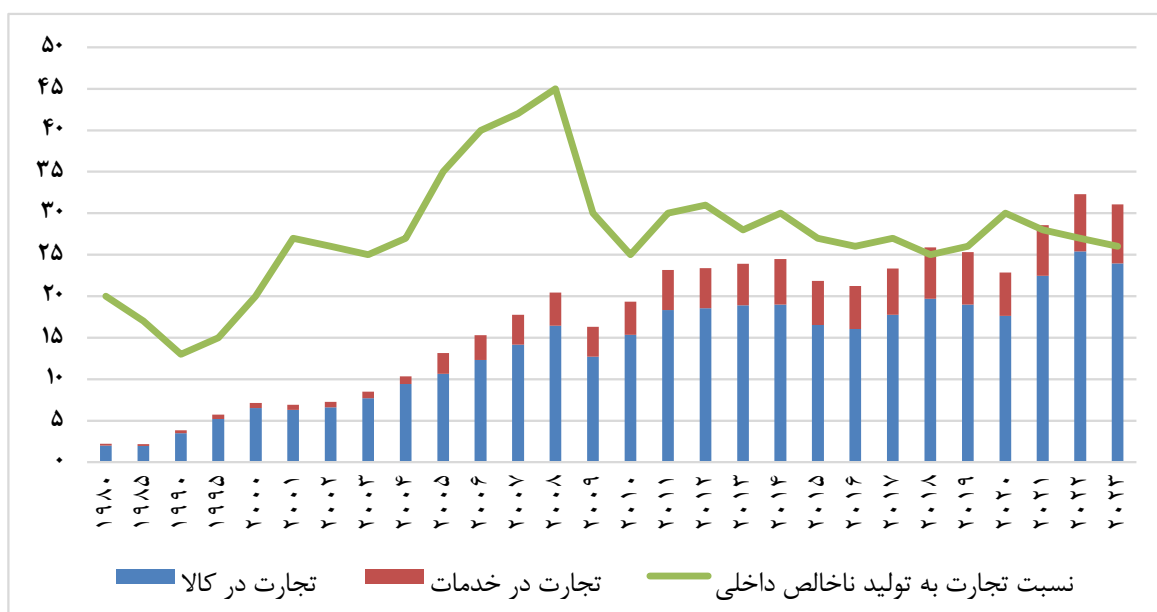
دولت بایدن، سیاست صنعتی را به عنوان یک ابزار برای بازسازی اقتصاد داخلی، افزایش اشتغال، مقابله با تغییرات اقلیمی و حفظ برتری تکنولوژیک معرفی کرده بود. این سیاست شامل حمایت‌های مالی و یارانه‌ای برای صنایع استراتژیک مانند تولید نیمه‌رساناها و انرژی‌های تجدیدپذیر است. در حالی که آمریکا قبلاً سیاست‌های مداخله‌گرانه چین را نقد می‌کرد، اکنون خود در حال اتخاذ سیاست‌های مشابه است [۵۰]. بنابراین اجماع جدید واشنگتن، اصطلاحی است که توسط جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا در رابطه با جدا شدن زنجیره‌های ارزش صنعتی از یکدیگر ارائه شده است [۵۱]. یک جنبه مهم اجماع جدید واشنگتن آن است که این اجماع جدید، جنس ژئوپلیتیکی دارد و افزایش تاب‌آوری زنجیره‌های ارزش و احیای سیاست صنعتی، جزء لاینفک آن است. نکته مهم آن است که اقدامات ذیل اجماع جدید واشنگتن، در راستای اهداف امنیت ملی و در جهت پیشبرد سیاست مهار چین به کار گرفته خواهند شد [۵۲].

جایگاه صنعت و فناوری در تقویت توان ملی و گسترش نفوذ بین‌المللی کشورها از آن جهت حائز اهمیت است که توسعه اقتصادی و توانمندی نظامی کشورها به میزان قابل توجهی به این دو حوزه وابسته است. از این رو، سطح و شیوه تعامل کشورها در عرصه سیاست خارجی تا حد زیادی تحت تأثیر ظرفیت‌های صنعتی و فناوری آنها قرار دارد. از این رو صنعت و فناوری از مهم‌ترین بخش‌هایی است که از پدیده چندتکه‌شدن تأثیر پذیرفته است. به بیان بهتر، تقابل قدرت‌های بزرگ در راستای حفظ و ارتقای جایگاه خود در قدرت جهانی، برای شکل‌دهی به نظم آینده به نفع خود، در زمینه صنعت و فناوری بروز و نمود یافته است که شدیدترین نمود آن در تولید ریز تراشه‌ها، قطعات الکترونیکی خاص، تولیدات مرتبط با گذار سبز، فناوری دیجیتال، هوش مصنوعی، و حوزه بیوتکنولوژی تجلی یافته است. بیشترین خسارت‌های ناشی از چندتکه‌شدن در فناوری، به صناعی چون تولیدات تجهیزات الکترونیکی، خودروسازی، شرکت‌های مخابراتی و... وارد می‌شود.

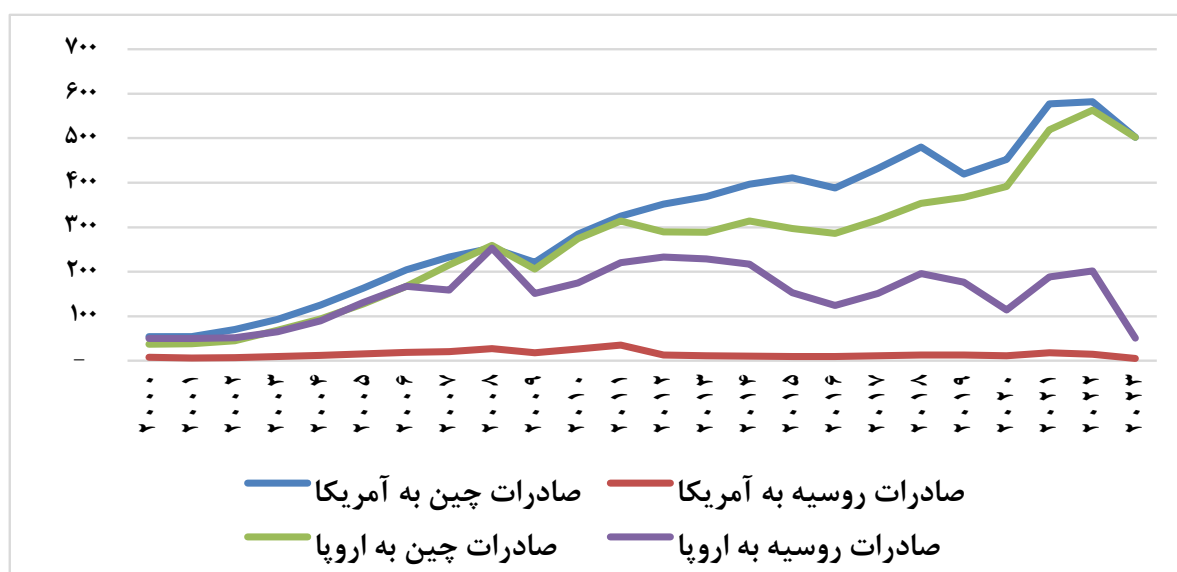
۴-۴. تجارت

تجارت جهانی از ۱۹۸۰ به بعد رشد چشمگیری را تجربه کرده است؛ اما از سال ۲۰۰۸ نسبت تجارت جهانی به تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان یک کاهش را تجربه کرده و از سال ۲۰۱۰ تاکنون به‌رغم افت و خیزهایی، این نسبت به حدود ۲۵ الی ۳۰ درصد رسیده است. بررسی جریان کلی تجارت در سال‌های اخیر براساس شکل ۱۱، حاکی از کاهش تجارت در بحران‌هاست. کاهش تجارت بعد از بحران مالی در سال ۲۰۰۸، بحران ژئوپلیتیکی در سال ۲۰۱۴ کریمه، بحران بیماری کووید ۱۹ در سال ۲۰۱۹، بحران ژئوپلیتیکی جنگ اوکراین در ۲۰۲۲ گویای این واقعیت است. هر چند بررسی جزئی جریان تجارت بیشتر نشانگر شکاف‌هاست.

شکل ۱۱. نمودار جریان جهانی تجارت کالا - خدمات (تریلیون دلار) و نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی (درصد) [۵۳] و [۵۴]



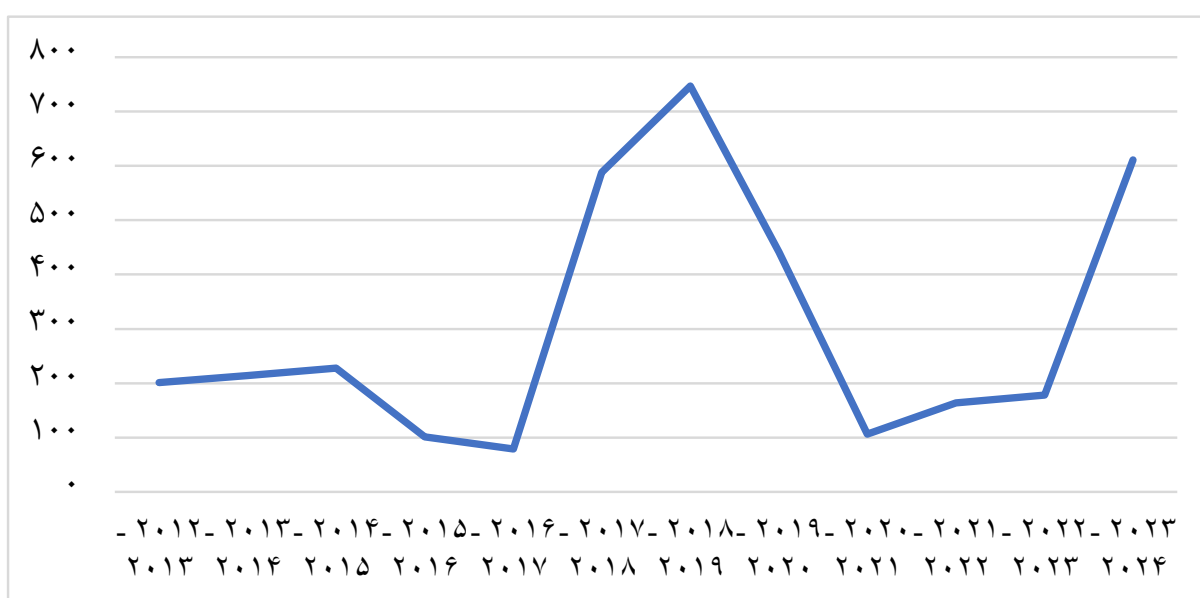
شکل ۱۲. نمودار جریان تجارت کالای روسیه و چین با اروپا و آمریکا (میلیارد دلار) [۵۳]



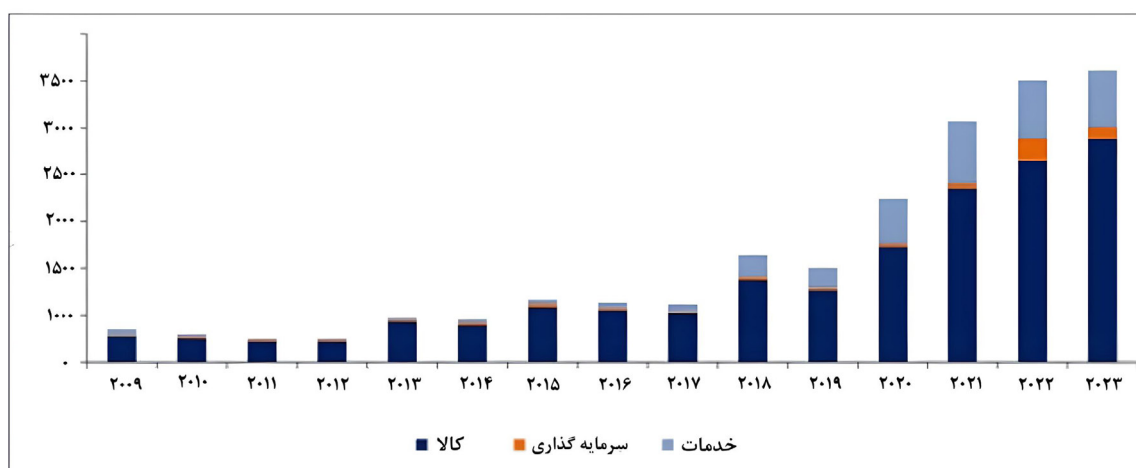
شکل ۱۲ نیز کاهش تجارت بین روسیه و چین با کشورهای اتحادیه اروپا (۲۷ کشور) و ایالات متحده آمریکا را نشان می‌دهد. با توجه به شکل می‌توان بیان کرد که این کاهش تجارت بین روسیه و اتحادیه اروپا بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار و بین چین و ایالات متحده و اتحادیه اروپا هر کدام حدود ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است. با توجه به شکل ۱۲، تجارت بین کشورهای روسیه - چین با اتحادیه اروپا و آمریکا تاکنون چنین کاهش شدیدی را در دو دهه اخیر تجربه نکرده است. از این رو بحران ژئوپلیتیکی اخیر بیشترین شکاف را در تجارت به وجود آورده است. شکل ۱۳ حجم تجارت منع شده و شکل ۱۴ تعداد موانع تجاری وضع شده توسط کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی را نشان می‌دهند.

تاکنون بیشترین حجم ممانعت وارداتی در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ بوده که عمدتاً مربوط به جنگ تجاری آمریکا و چین و بیماری کووید ۱۹ بوده، اما بیشترین تعداد محدودیت صادراتی در سال ۲۰۲۳ وضع شده است. ممانعت از تجارت (حجمی) از سال ۲۰۲۲ با آغاز جنگ اوکراین مجدداً افزایش یافته، اما روند وضع محدودیت‌های تجاری از سال ۲۰۰۹ الی ۲۰۲۳ صعودی بوده و همواره بیشترین تعداد محدودیت‌ها به تجارت کالاها اختصاص داشته است. به عبارت دیگر، از سال ۲۰۰۹ که زمینه‌های چندتکه‌شدن آشکار شده، تعداد محدودیت‌های تجاری به صورت فزاینده‌ای صعودی بوده، اما تماماً اجرا نشده‌اند. عملیاتی شدن این محدودیت‌ها ممکن است در برخی سال‌ها صعودی یا نزولی باشد که این مسئله را از شکل‌های ۱۳ و ۱۴ می‌توان دریافت.

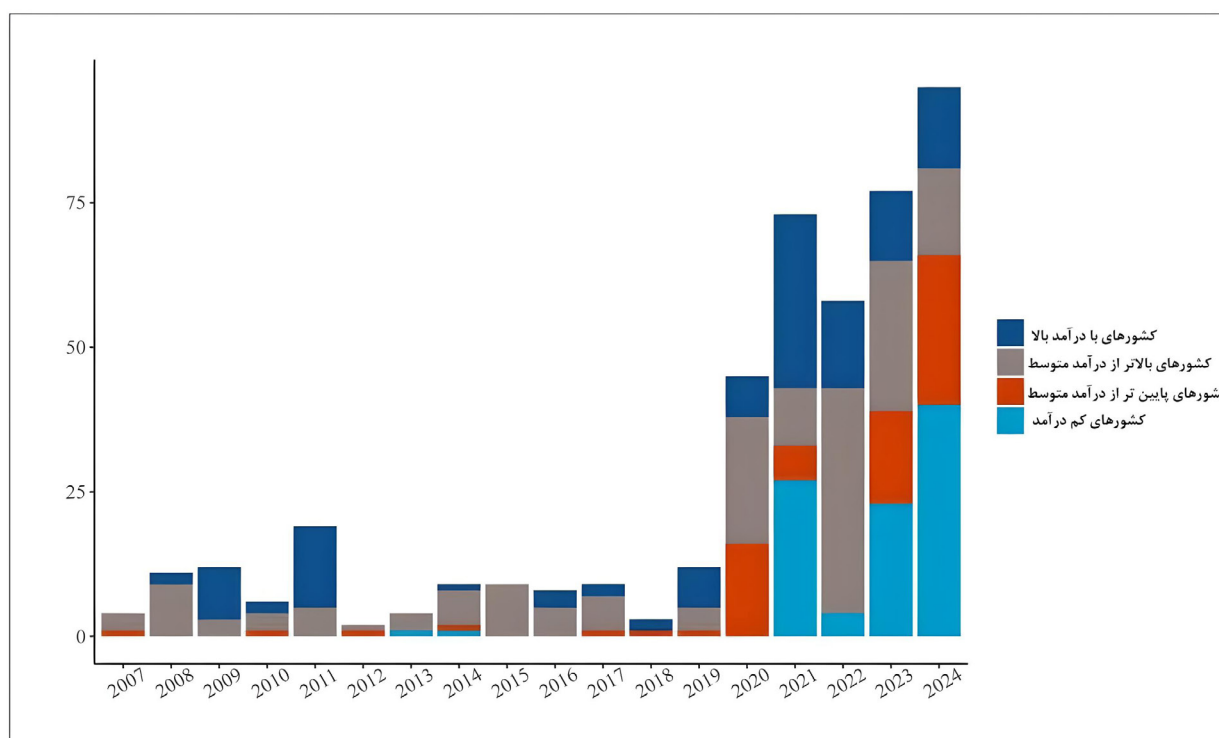
شکل ۱۳. نمودار حجم تجارت منع شده در طول زمان (میلیارد دلار) [۵۵]



شکل ۱۴. نمودار تعداد محدودیت‌های تجاری جدید علیه تجارت کالا - خدمات و سرمایه‌گذاری [۲۶]



شکل ۱۵. نمودار روند استفاده از استثنای «امنیت ملی» در تجارت براساس درآمد کشورها [۵۶]

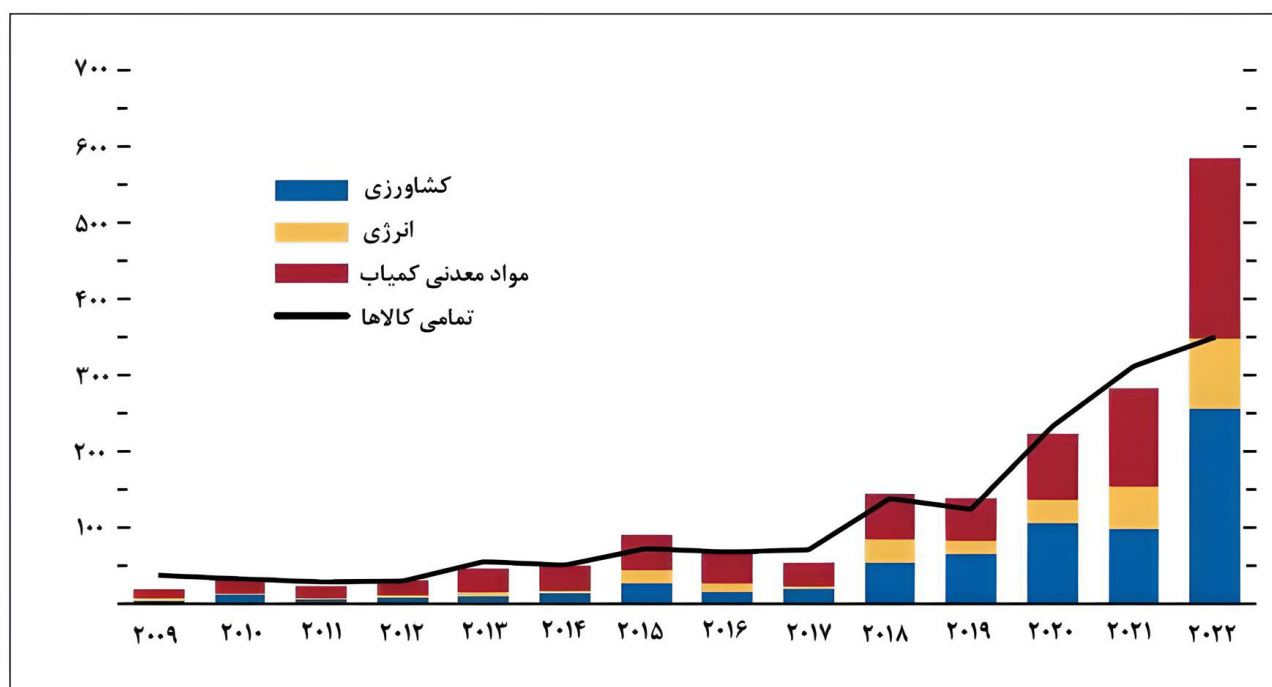


شکل ۱۵ توضیح می‌دهد که استفاده از اعلان‌های «امنیت ملی» توسط کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۴ به تفکیک گروه‌های درآمدی چه روندی داشته است. همان‌طور که در شکل ۱۵ نشان داده شده است، اعلامیه‌های امنیت ملی در سال جاری به اوج خود، یعنی ۹۵ مورد، رسیده و به یک پدیده جهانی تبدیل شده است. نکته قابل توجه این است که چنین اعلامیه‌هایی از کشورهای با درآمد پایین و درآمد متوسط پایین از تقریباً هیچ در سال ۲۰۱۹ به ۶۶ مورد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته‌اند که ۷۰ درصد از کل موارد را تشکیل می‌دهند. در حالی که دولت‌ها تا سال ۲۰۱۷ معمولاً این نوع اعلامیه‌ها را برای تجارت اقلام امنیتی مانند تسلیحات، مواد شیمیایی مورد استفاده در مواد منفجره و تجهیزات ایجاد اختلال در سیگنال محدود می‌کردند، اکنون این اعلامیه‌ها به‌طور منظم برای توجیه محدودیت‌های تجاری بر روی اقلام بی‌ضرر مانند دانه‌های کاکائو، نوشیدنی‌های الکلی، خوراک حیوانات، محصولات روشنائی و چارچوب درها استفاده می‌شوند. ترکیب افزایش چشمگیر اعلامیه‌های امنیت ملی و تعطیلی نهاد تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی،^۱ دروازه‌های حمایت‌گرایی جهانی را باز کرده است. بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید می‌تواند تنها به تقویت این روند کمک کند. نتیجه منطقی این وضعیت رشد‌گندتر جهانی و تنش‌های سیاسی بیشتر خواهد بود [۵۶].

در شرایط حاضر، تعداد اقدامات حمایتی در زمینه تجارت خارجی در حال افزایش است. حسب بررسی‌های صندوق بین‌المللی پول، تواتر وضع محدودیت توسط کشورها علیه تجارت بین‌الملل در قالب مقررات خاص و در راستای حمایت از اقتصاد داخلی طی سال‌های اخیر با سرعت زیادی افزایش پیدا کرده است. طبق شکل ۱۶، بیشترین مداخلات و محدودیت‌های وضع شده در زمینه تجارت محصولات کشاورزی، معدنی و سپس انرژی بوده است. از ۲۰۱۸ تاکنون، سالیانه تعداد این مداخلات به‌صورت صعودی در حال افزایش بوده است.

1. WTO Appellate Body

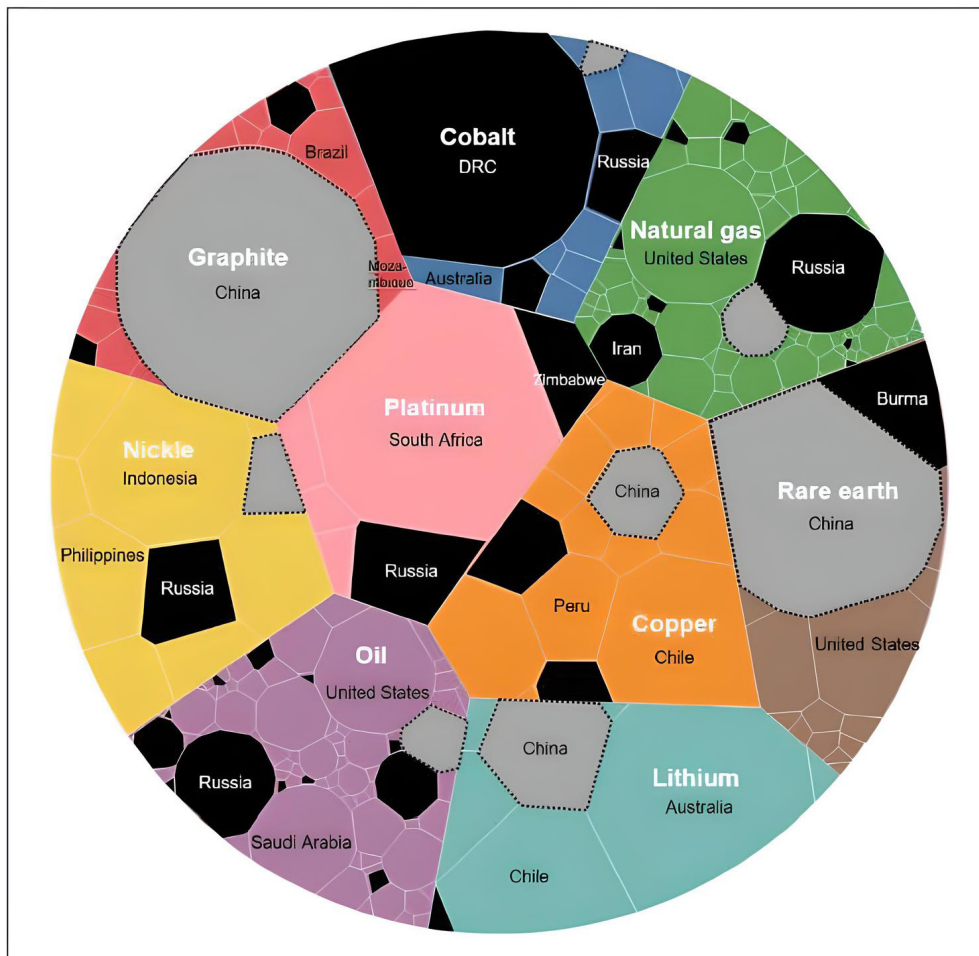
شکل ۱۶. نمودار تعداد محدودیت‌های تجاری وضع شده بر اساس بخش‌های اقتصادی [۴۶]



۵-۴. زنجیره تأمین

بعد از شیوع بیماری کووید ۱۹ و شدیدتر از آن، بعد از جنگ اوکراین، کشورها به سمت جداسازی زنجیره‌ها جهت افزایش امنیت تأمین حرکت کرده‌اند که در نتیجه آن، تولید برخی محصولات در انحصار برخی از کشورها و در اختیار بلوک‌های خاص قرار گرفته است. انحصار روسیه و آمریکا در نفت و گاز و انحصار چین در مواد معدنی کمیاب مورد نیاز برای فناوری‌های جدید (ریزپردازنده‌ها) و تجهیزات انرژی پاک، نمونه‌هایی از آنهاست. شکل زیر، میزان انحصار کشورها بر زنجیره تأمین برخی کالاهای اساسی را نشان می‌دهد؛ رنگ سیاه نشان‌دهنده تحت تحریم بودن آن کشور است.

شکل ۱۷. زنجیره تأمین جهانی کالاهای اساسی منتخب، ۲۰۲۰ [۵۷]



همچنین جنگ اوکراین زنجیره تأمین مواد غذایی را نیز دستخوش تغییر کرد؛ از آنجا که هر دو کشور (روسیه و اوکراین) از بزرگ‌ترین صادرکنندگان محصولات کشاورزی و انرژی در جهان هستند، این درگیری تأثیرات منفی قابل توجهی بر تأمین کالاهای اساسی داشت. هزینه‌های زندگی، قیمت‌های غذا و انرژی و نرخ‌های تورم و بهره به بالاترین سطح خود پس از زمان بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ رسیده‌اند. به‌ویژه محدودیت‌های زنجیره تأمین، نگرانی‌های فزاینده‌ای در زمینه امنیت انرژی و غذا به وجود آورده که همه اینها موجب پیچیدگی بیشتر پیوند میان زنجیره تأمین جهانی و بازارهای مرتبط با آنها شده است. در نتیجه، زنجیره تأمین جهانی به‌طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر و آسیب‌پذیرتر شده است [۵۷].

انتظار می‌رود چندتکه شدن زنجیره تأمین در سال ۲۰۲۵ نیز ادامه داشته باشد که تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی، مقررات اقلیمی^۱ و پیشرفت‌های فناوری^۲ تغییرات اساسی‌تری را تجربه خواهد کرد. آمارهای اخیر نشان می‌دهند که تعداد تأمین‌کنندگان منحصر به فرد هر شرکت از ۸۰ در سال ۲۰۲۰ به ۱۱۶ در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته که این امر بیانگر تمایل به تنوع بیشتر در تأمین‌کنندگان است [۵۸] و [۵۹].

۱. مقررات اقلیمی به‌ویژه در صنایعی مانند فولاد، آلومینیوم و مصالح ساختمانی در حال تغییر و تحول زنجیره‌های تأمین هستند. از سال ۲۰۲۵، شرکت‌هایی که در اتحادیه اروپا فعالیت می‌کنند، باید الزامات مربوط به کاهش گازهای گلخانه‌ای را در قالب مکانیسم تنظیم مرز کربن (CBAM) رعایت کنند. این سیاست به‌طور عمده هدف دارد تا کالاهای با آلاینده‌گی بالا را کاهش داده و به کالاهای با آلاینده‌گی کمتر اولویت دهد.

۲. فناوری به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای افزایش کارایی و تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین باقی خواهد ماند. سرمایه‌گذاری در اتوماسیون و هوش مصنوعی (AI) به ابزاری ضروری برای بهینه‌سازی عملیات و مدیریت ریسک تبدیل شده است.

۴-۶. شبکه دیجیتال و زیرساخت‌ها

مشابه سایر حوزه‌ها، جهانی‌سازی در بخش شبکه دیجیتال و زیرساخت‌های مربوط به آن نیز جریان داشته و تاکنون موافقت‌نامه‌هایی تحت نظارت سازمان تجارت جهانی (WTO) نیز منعقد شده است. با این حال، جهانی‌سازی در این حوزه، برخی از انتظارات اولیه کشورها را به‌طور کامل محقق نکرده است. دسترسی گسترده به اینترنت فرصت‌های جدیدی برای انتقال داده‌ها و اشتراک‌گذاری دانش فراهم کرده، اما منجر به بروز آسیب‌پذیری برای بعضی از کنشگران بین‌المللی شده است. علاوه بر این، ارتقای ظرفیت‌های نوآوری در برخی کشورهای در حال توسعه (خصوصاً چین) موجب کاهش تدریجی سلطه کشورهای توسعه‌یافته شده است.

چین با تلاش برای ارتقا در زنجیره محصولات با فناوری بالا، توانسته به یک مرکز مهم در زنجیره‌های ارزش بین‌المللی (IVCs) در تمام حوزه‌های زیرساختی و شبکه‌های دیجیتال تبدیل شود و همچنین بسیاری از کشورها را در این زمینه به خود وابسته کرده است. حضور مؤثر چین در ابتکار کمربند و راه دیجیتال و تقویت توانمندی‌های تولید فناوری پیشرفته و صادرات آنها مصادیقی از وابسته‌سازی سایر کشورها هستند. این رویدادها باعث شده‌اند چارچوب نهادی تجارت بین‌الملل در حوزه فناوری و شبکه دیجیتال، به تدریج از پارادایم تجارت آزاد و جهانی شدن به سمت ملی‌گرایی و حفاظت‌گرایی حرکت کند. با افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر شبکه‌های فناوری دیجیتال و توسعه زیرساخت‌ها، می‌توان گفت که جنگ سرد در این حوزه‌ها نه تنها در حوزه سخت، بلکه به حوزه نرم نیز سرایت پیدا کرده است [۶۰].

در جنگ سرد اول، رقابت بیشتر به کنترل سرزمین‌ها معطوف بود، اما در جنگ سرد جاری، رقابت بر سر تسلط بر اتصالات غیرسرزمینی است که این شبکه‌ها شامل زیرساخت‌ها، فناوری دیجیتال، زنجیره تولید و زیرساخت‌های مالی هستند. به این معنا که چین با ابتکار «کمربند و جاده» (BRI) تلاش دارد تا در سطح جهانی بر شبکه‌های دیجیتال و زیرساخت‌ها تسلط یابد. ایالات متحده نیز از طریق طرح‌هایی مانند «شرکت تأمین مالی توسعه»، «همکاری برای زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری جهانی» و «ابتکار شبکه پاک» تلاش دارد تا نفوذ شرکت‌های چینی را در بازارهای جهانی محدود کند [۶۱].

رقابت بین ایالات متحده و چین در شبکه دیجیتال ۵G یکی از نمودهای بارز اختلاف، رقابت و بعضاً تنش در شبکه دیجیتال است که نه تنها یک مسئله اقتصادی، بلکه تهدیدی از طرف ایالات متحده برای امنیت ملی نیز به حساب می‌آید. پیگیری پتنت‌ها و سهم بازار در رقابت اقتصادی تنها سطحی از رقابت چین و ایالات متحده است. با توجه به اینکه فناوری ۵G نقش حیاتی در انتقال داده‌های تجهیزات مکانیکی، از جمله وسایل نقلیه، ماشین‌آلات و حسگرها دارد، این فناوری به عنوان نقطه تمرکز اصلی بخش ۳۰۱ قانون تجارت ایالات متحده و «ساخت چین ۲۰۲۵» قرار گرفته است [۳۸].

فناوری ۵G، مراکز داده دیجیتال، کابل‌های فیبر نوری، شهرهای هوشمند، الگوریتم‌های هوش مصنوعی و دیگر زیرساخت‌های اینترنت، همه و همه محمل قدرت افکنی و قدرت‌نمایی در دنیای جدید هستند. هر کدام از قدرت‌های جهانی در صدد است در حوزه زیرساخت‌های نرم و سخت دیجیتال، کشورهای بیشتری از جهان را وارد دایره نفوذ خود کند. همین تمایل به برتری جویی، باعث شده این جنگ قدرت، منحصر در آمریکا و چین باقی نماند، بلکه اکنون تبعات آن به بسیاری از کشورهای جهان سرریز کرده است.

۵. چند تکه شدن اقتصاد جهان چه دلالت‌هایی برای ایران دارد؟



اگر چه در عرصه بین‌الملل، موضوع چند تکه شدن جهان، به شدت مورد توجه پژوهشگران، صاحب‌نظران و سیاستمداران قرار گرفته و این موضوع در نگاه ایشان، به یک جریان روبه‌رشد و رو به تزايد تبدیل شده است، اما در ایران، همچنان به این موضوع به عنوان یک موضوع حاشیه‌ای یا حداقلی نگریسته و عمدتاً تصور می‌شود که این رویدادها، اغلب بین آمریکا، اروپا، چین و روسیه در جریان است و ربط و نسبتی با ایران پیدا نمی‌کند. در نقطه مقابل، باید گفت که چند تکه شدن اقتصاد جهان دلالت‌های مهمی برای ایران خواهد داشت؛ این دلالت‌ها هم می‌توانند از جنس مخاطره و هم از جنس فرصت باشند.

۵-۱. مخاطرات احتمالی

مخاطرات احتمالی پدیده چند تکه شدن اقتصاد جهان عبارت‌اند از:

۵-۱-۱. برآمدن گفتمان اقتصادی و امنیتی و امنیت اقتصادی^۱

برآمدن گفتمان اقتصادی امنیتی و امنیت اقتصادی، یکی از مخاطرات اصلی مسئله چند تکه شدن اقتصاد جهان است. در چنین جهانی، کشورها به شدت بر ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین خود تمرکز کرده و تلاش می‌کنند زنجیره‌های حیاتی خود را به کشورها و کنشگران غیرایمن و دارای مخاطره وابسته نکنند. ایران، به عنوان یک کشور صاحب کالای اساسی (نفت، گاز و فلزات معدنی)، تا قبل از تحریم حداکثری صادرات نفت (سال ۲۰۱۲) عضوی مؤثر در تراز جهانی انرژی بود و به کشورهای شرقی (چین، کره جنوبی، ژاپن و هند) و غربی (کشورهای اروپایی) نفت صادر می‌کرد. حتی با وجود تنش‌هایی میان ایران و غرب، صادرات ایران به کشورهای غربی و شرقی مندرج در نظم آمریکایی، بدون چالش جریان داشت. چرا که در آن زمان، گفتمان غالب در برقراری تعاملات اقتصادی برون‌مرزی، کارایی و کارآمدی بود. در حال حاضر، با برآمدن گفتمان اقتصادی امنیتی و امنیت اقتصادی، اصل «کارایی زنجیره‌ها»، جای خود را به اصل «ایمن‌سازی» داده است. مهم‌ترین دلالت این تغییر گفتمانی آن است که حتی در صورت رفع تحریم‌های ایران، نمی‌توان انتظار داشت کشورهای نظیر کره جنوبی، ژاپن و سایر کشورهای اروپایی، به همان سیاق سابق، اقدام به واردات گسترده نفت از ایران کنند.

۵-۱-۲. برآمدن مجدد پدیده تقابل قدرت‌های بزرگ و دلالت‌های آن

تقابل قدرت‌های بزرگ به موقعیت‌های در تاریخ اقتصادی و تاریخ سیاسی جهان اطلاق می‌شود که تنش، تخصیص و درگیری‌های قدرت‌های بزرگ باعث بروز چالش‌هایی برای کنشگران میانه می‌شود. به عبارت دیگر، در زمان برآمدن پدیده تقابل قدرت‌های بزرگ، کنشگران میانه فارغ از اینکه، خود چه نگاه یا ایده‌ای در مورد جهت‌گیری اقتصادی و سیاسی بین‌المللی داشته باشند، تحت تأثیر تنش‌های قدرت‌های بزرگ قرار می‌گیرند. چند تکه شدن اقتصاد جهان که خود، نمود و نشانه‌ای از تشدید رقابت‌ها و تخصیص‌های قدرت‌های بزرگ است می‌تواند اقتصادهایی نظیر اقتصاد ایران (که از یک طرف صاحب کالای اساسی هستند و از طرف دیگر، یک بازار مصرفی قابل توجه دارند) را تحت الشعاع قرار دهد. به صورت تاریخی، همواره یکپارچه شدن اوراسیا از منظر اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... یکی از مخاطرات مورد توجه قدرت‌های دریایی بوده است. جایگاه جغرافیایی ایران (اعم از جغرافیای طبیعی، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای سیاسی) به گونه‌ای است که می‌تواند نقشی جدی در یکپارچه سازی اوراسیا ایفا کند.

توضیح آنکه در حال حاضر، جغرافیای اقتصادی ایران، به صورت بالفعل، سطحی از هم‌پوشانی منافع با ابتکار کمربند و راه چین پیدا کرده است و ایران به بخشی از گفتمان یکپارچگی بَرّی اوراسیایی (که خارج از دایره کنترل و دسترسی قدرت‌های بحری است) تبدیل شده است. ایران با

صادرات کالاهای اساسی به چین و از آن طرف، فراهم آوردن یک بازار صنعتی و مصرفی برای چین، در کمربند و راه چین ایفای نقش می‌کند که البته این سطح از تعامل می‌تواند تا سطوحی بسیار عمیق‌تر (تعاملی از جنس مشارکت راهبردی) ارتقا پیدا کند.

گفتمان چرخش به سمت آسیا و مهار چین که توسط آمریکا در حال پیگیری است، اقتضا دارد که همه مسیرهای جغرافیایی ابتکار کمربند و راه چین (به‌عنوان اصلی‌ترین راهبرد قدرت‌آفرینی این کشور) دستخوش تزلزل، تضعیف و تخریب شود. تحریم ایران یک ابزار کاربردی در راستای جلوگیری از تعمیق روابط ایران و چین است. نکته مهم آن است که برآمدن چین در بستر نظم «جهانی‌شدن» رخ داد و این کشور بنا ندارد با نظم فعلی جهان، به‌صورت عیان مقابله کند. از این منظر، تحریم‌های آمریکایی می‌تواند به‌عنوان یک عامل مخرب، تعمیق روابط ایران و چین را دچار اصطکاک کرده و از این طریق، راهبرد قدرت‌آفرینی چین را دچار تزلزل کند.

از نگاه اندیشکده رند، ایران به‌سبب آنکه یک بازار مصرفی بزرگ برای چین فراهم کرده و از طرف دیگر، یکی از صادرکنندگان اصلی نفت و فراورده به آن کشور بوده، یکی از گزینه‌های اصلی تقابل آمریکا و چین است [۶۲].

کاپلان (۲۰۲۳) معتقد است فارغ از نظام سیاسی حاکم بر ایران، باز هم تجارت و تعامل عمیق بین ایران و چین ادامه خواهد داشت. او بیان می‌دارد: «یک ایران دمکراتیک (منظور او، یک ایران پساجمهوری اسلامی است)، به‌دلیل جغرافیا و ژئوپلیتیک، یک نقطه اتصال حیاتی برای طرح کمربند و جاده چین خواهد بود. این ایران... در ابتدا بسیار طرفدار غرب خواهد بود؛ اما با گذشت زمان، از آنجاکه این کشور به یک قطعه از پازل بزرگ از یکپارچگی اوراسیا (ابتکار کمربند و راه) تبدیل خواهد شد ممکن است حتی روابط قوی‌تری با چین برقرار کند؛ روابطی که حتی می‌تواند عمیق‌تر از روابط آلمان کنونی با چین باشد» [۶۳].

رئیس‌نژاد (۱۴۰۱) نیز معتقد است که جایگاه ژئواستراتژیک و نقش تاریخی ایران در راه ابریشم به‌همراه مدیریت مستقل ایران بر منابع انرژی خود، همگی بر اهمیت ایران در سیاست‌های کلان چین می‌افزاید. با ایجاد رابطه نزدیک پکن با تهران، چین به خلیج فارس و منابع عظیم انرژی آن دسترسی خواهد داشت؛ چراکه ایران تنها مسیر زمینی چین برای دستیابی به مخازن نفت خلیج فارس است. همچنین کالاهای چینی می‌توانند با گذر از قلمرو ایران به دریای مدیترانه برسند... جای شگفتی نیست که رهبران ایالات متحده، چه دونالد ترامپ و چه جو بایدن، روابط چینی-ایرانی را هدف قرار خواهند داد. با وجود نگرش‌های ناهمسان و تاکتیک‌های متفاوت، ترامپ و بایدن، هر دو از رهنمود نوین ژئوپلیتیک ایالات متحده پیروی می‌کنند؛ از جمله زیر فشار قرار دادن کشورهایی با جایگاه ژئواستراتژیک که به راه ابریشم نوین می‌پیوندند و در این میان، ایران، نخستین هدف است [۶۴].

از سوی دیگر انطباق «ماندگاری تحریم‌های ایران» بر پدیده «تقابل قدرت‌های بزرگ» در روابط میان ایران، هند و روسیه متجلی می‌شود. توضیح آنکه متعاقب جنگ روسیه و اوکراین و کاهش قابل توجه دسترسی روسیه به کریدورهای اروپایی، توجه تاریخی این کشور به جنوب جغرافیایی خود، احیا و دوچندان شده است. همچنین این کشور، به‌صورت تاریخی، تعاملات عمیق اقتصادی و سیاسی با کشور هند دارد که در این میان، ایران عاری از تحریم می‌تواند یک مسیر دسترسی بهینه و قابل اطمینان میان روسیه و هند باشد. رفع تحریم‌های ایران از یک‌سو باعث خواهد شد کنشگران حقیقی و حقوقی هندی (که انطباق کاملی با سیاست‌های تحریمی آمریکا دارند) حضور پررنگی در اقتصاد ایران داشته و ضمن بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصاد ایران (نفت، فراورده، محصولات پتروشیمی و مواد معدنی) دسترسی بهینه‌ای به روسیه و آسیای میانه داشته و کریدور شمال-جنوب را در معنای تام و کامل خود عملیاتی کنند.

همچنین رفع تحریم ایران، این فضا را برای شرکت‌های خصوصی، اشخاص ذی‌نفوذ اقتصادی و بانک‌های بزرگ و در نهایت حاکمیت روسیه فراهم خواهد کرد تا ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی ایران، دسترسی تضمین شده‌ای به آب‌های گرم جنوب از مسیر ایران داشته باشند؛ آن‌هم در شرایطی که دسترسی روسیه به آب‌های شمالی با چالش سرما، دسترسی به آب‌های شمال غربی، با چالش‌های امنیتی و دسترسی به دریای سیاه، با چالش نظامی (جنگ روسیه و اوکراین) و معضل تنگه‌های بسفر و داردانل مواجه است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که تحریم، در دسترس‌ترین ابزاری است که ذیل گفتمان «تقابل قدرت‌های بزرگ» می‌تواند: ۱. ابتکار کمربند و



راه چین را دچار چالش کند، ۲. مانع از تعامل عمیق اقتصادی روسیه و هند از مسیر ایران شود و ۳. دسترسی روسیه از مسیر ایران به آب‌های گرم جنوب را دچار وقفه و اصطکاک کند. در زمانی که تقابل آمریکا با چین و روسیه، به نقطه غیرقابل بازگشتی رسیده، بسیار بعید است آمریکا بخواهد با رفع واقعی تحریم‌ها اجازه دهد قدرت آفرینی جغرافیایی چین، هند و روسیه با کنشگری راهبردی ایران، سرعت و شدت بگیرد. لذا احتمال رفع تحریم‌ها در چنین شرایطی از جانب آمریکا بعید به نظر می‌رسد.

۲-۵. فرصت‌های احتمالی

فرصت‌های برآمده از یک جهان اقتصادی چندتکه‌شده عبارت‌اند از:

۱-۲-۵. کاهش اثرگذاری و کارایی تحریم

اساساً تحریم در یک جهان یکپارچه کارایی و اثرگذاری حداکثری دارد؛ در یک جهان یکپارچه:

الف) تجارت در چارچوب قواعد و سازوکارهای جهان شمول انجام می‌شود،

ب) لجستیک و حمل‌ونقل دریایی، زمینی و هوایی به صورت جهانی به هم متصل هستند.

بنابراین در صورتی که تغییری در یکپارچگی جهان رخ دهد، اثرگذاری و کارایی تحریم به طرز چشمگیری کاهش می‌یابد.

۲-۲-۵. چندتکه شدن اقتصاد جهان و امکان بازتعریف نقش ایران در عرصه بین‌الملل

به تناسب کاهش اثرگذاری تحریم و همچنین به موازات شکل‌گیری استانداردها و سازوکارهای بدیل در حوزه تجارت خارجی، تسویه مالی، لجستیک و استاندارددهی، امکان بازتعریف نقش ایران در عرصه بین‌الملل فراهم می‌شود.

توضیح اینکه، تحریم حداکثری صادرات نفت ایران (به عنوان عامل ایجاد اختلال در تولید منابع ارزی کشور) و همچنین تحریم نظام بانکی ایران (با هدف اخراج ایران از فضای مالی و بانکی جهانی شده) باعث برهم خوردن کلان‌معامله سابق ایران شد. کلان‌معامله سابق اقتصاد ایران و بلوک غرب عبارت بود از: «صادرات نفت به کشورهای بلوک غرب و عضویت مؤثر و تعیین‌کننده در تراز جهانی انرژی و در ازای آن، دسترسی به ارز جهان‌روا و واردات لوازم توسعه»؛ دسترسی به ارز جهان‌روا، به معنای امکان فعالیت اقتصاد ایران در اتمسفر مالی و بانکی غرب بود. انباشت و سپرده شدن ارز جهان‌روا در بانک‌های اروپایی و امکان تراکنش آزادانه آن در نظام مالی غرب، زمینه واردات لوازم توسعه را فراهم کرده بود. با توجه به تثبیت و تحکیم تحریم‌های آمریکا علیه ایران از طریق زیرساخت‌های قانونی و همچنین از دست رفتن بازارهای سابق نفت ایران (کشورهای اروپایی، کره جنوبی، ژاپن و هند) به نظر نمی‌رسد بازگشت ایران به نقش سابق چندان محتمل باشد. در حال حاضر، سیاست ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین که توسط بسیاری از کشورهای صنعتی و واردکننده نفت در دستور کار قرار گرفته، می‌تواند به عنوان مانعی در مقابل واردات نفت از ایران قد علم کند و همین موضوع می‌تواند عادی‌سازی مجدد روابط با غرب را در هاله‌ای از ابهام قرار دهد. همچنین این نکته را نباید از نظر دور داشت که امروز، ایالات متحده آمریکا به صورت خالص صادرکننده انرژی بوده و همین کشور، در حال صادرات انرژی به بسیاری از بازارهای سابق نفتی ایران است.

بر این اساس، ضمن تلاش برای رفع تحریم‌ها باید به این واقعیت که «ایران چاره‌ای جزء بازتعریف نقش خود در عرصه بین‌الملل ندارد» بیشتر دقت کرده و راجع به آن اندیشه‌ورزی کنیم. در حال حاضر، انسان عقلایی ایرانی «به جای» تصویرسازی و رؤیایپردازی از تداوم امکان منتفع شدن از منابع تولید شده از محل «یک» منبع بزرگ (همان زیست نفتی) باید یاد بگیرد که اکنون زیست خود را در کمربندهای متعدد و متکثر ساخت و پرداخت کند. این سبک جدید از زیست، اساساً از انسان شکل جدیدی خلق می‌کند که متفاوت از انسان دنیای زیست نفتی است. حرکت جهان به سمت چندتکه شدن و کاهش سطح یکپارچگی جهان، زمینه را برای جانمایی جدید و بازتعریف نقش ایران در عرصه بین‌الملل فراهم کرده است.

۶. راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان

همان‌طور که بیان شد بروز پدیده چندتکه‌شدن اقتصاد جهان، هم واجد مخاطرات و هم دربردارنده فرصت‌هاست. در راستای مدیریت مخاطرات، توصیه راهبردی ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور است. از سوی دیگر، بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان، از رهگذر «نقش‌آفرینی در کمربندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی منتخب» می‌گذرد.

جدول ۲. راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان

مدیریت مخاطرات در کوتاه‌مدت	بهره‌گیری از فرصت‌ها در میان مدت و بلندمدت
تثبیت قدرت از طریق ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور	جهش قدرت از طریق نقش‌آفرینی در کمربندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی منتخب

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۶-۱. تثبیت قدرت از طریق ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور

وقتی از «تثبیت قدرت از طریق ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور» سخن گفته می‌شود منظور، رفع آسیب‌پذیری‌های اساسی کشور و افزایش تاب‌آوری در رابطه با اقلام و کالایی است که ایجاد خلل در زنجیره آنها می‌تواند حتی در بازه زمانی کوتاه‌مدت، اقتصاد و به تبع امنیت کشور را دچار اختلال و نابسامانی کند. در این سطح، تمرکز اصلی بر روی حوزه تجارت و به‌طور خاص تجارت کالاهای اساسی از یک سو و فعال‌سازی سازوکارهای پرداخت ایمن و نقاط تسویه مالی و بانکی تحت کنترل، از سوی دیگر است. دو محور اصلی ذیل راهبرد «ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور» عبارت‌اند از:

۱. ایمن‌سازی واردات اقلام اساسی کشور،

۲. ایمن‌سازی زنجیره صادرات کالاهای اساسی ایران (به صورت مشخص نفت و فراورده).

اهمیت راهبرد ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور از آن جهت است که در دنیای جدید، هر سطحی از وابستگی می‌تواند تبدیل به سلاح اقتصادی در راستای استیلای سیاسی شود. اساساً ابزار تحریم با همین هدف از سال ۱۳۸۹ به صورت هجومی و حداکثری علیه اقتصاد ایران به کار گرفته شد. اکنون نیز اگرچه گفته می‌شود که واردات اقلام بشردوستانه مستثنا از تحریم‌ها هستند، اما باید دانست که اولاً، در حال حاضر واردات همین اقلام نیز با کارشکنی‌ها و فشارهای سیاسی همراه است و ثانیاً، در زمانی که شکاف‌های سیاسی میان کشورها در حال تعمیق است به هیچ وجه نمی‌توان تداوم رویه مجوزدهی وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا را تضمین شده تلقی کرد. ایمن‌سازی زنجیره صادرات کالاهای اساسی نیز از این جهت اهمیت دارد که عملکرد دولت ایران و حتی کلیت اقتصاد، وابسته به صادرات کالاهای اساسی است. هر سطحی از اختلال در صادرات این کالاهای می‌تواند زمینه‌ساز اختلال در عملکرد اقتصاد شود. ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۱۲، کلیت زنجیره صادرات نفت ایران را تحریم کرد. از آن زمان، ایران رویه دورزدن تحریم را جهت صادرات نفت و سایر کالاهای اساسی خود به کار گرفته، اما ایمن‌سازی زنجیره صادرات کالاهای اساسی مستلزم اقداماتی فراتر از دورزدن تحریم است و مشخصاً باید برنامه‌هایی در دستور کار قرار گیرد تا صادرات کالاهای اساسی از دایره تسلط و استیلای ایالات متحده آمریکا خارج شود.

۶-۲. جهش قدرت از طریق نقش‌آفرینی در کمربندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی منتخب

در اینجا لازم است واژگان کلیدی موجود در این عبارت به صورت دقیق توضیح داده شوند:

- وقتی از «جهش» صحبت به میان می‌آید منظور آن است که یک رشد حداقلی در شاخص‌های اقتصادی کشور نمی‌تواند چالش‌های ناشی از تحریم



را چاره کند. به‌طور خاص، حل و فصل کاهش در آمد سرانه و همچنین روند رو به نزول سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در دهه ۹۰، نیاز به تدبیری دارد که بتواند با استفاده از یک روند جهش‌گونه، نه تنها عقب‌ماندگی‌های اخیر را مرتفع کند، بلکه کشور را به نقطه تولید نقش و قدرت نزدیک کند. استفاده از واژه «قدرت» و عبارت «جهش قدرت» یک دلالت بسیار مهم دارد، اینکه بخشی از اقدامات جاری دستگاه‌ها و کنشگران بخش خصوصی از دایره راهبرد جانمایی جدید خارج می‌شود. البته این ادعا به معنای کم‌اثر بودن اقدامات جاری دستگاه‌ها و کنشگران بخش خصوصی نیست، بلکه دلالت بر آن دارد که دستور کارهای ذیل راهبرد جانمایی جدید باید متناسب و در حد یک «کلان‌معامله» باشند و بتوانند نقش جدید برای کشور در منطقه و فرامنطقه تولید کنند؛ نقشی که از سوی کنشگران منطقه و فرامنطقه معتبر تلقی شده و مورد پذیرش قرار بگیرد و از سوی دیگر، کنشگران متخاصم نتوانند آن نقش را به راحتی نادیده گرفته یا تخریب کنند.

بر این اساس حوزه‌هایی نظیر **جذب سرمایه** (به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اخذ وام خارجی)، **جذب فناوری**، **جذب صنعت و وابسته‌سازی کشورهای منطقه و فرامنطقه به زیرساخت‌های انرژی**، **بار و داده** (خطوط انتقال انرژی، زیرساخت‌های حمل و نقل ریلی، دریایی و جاده‌ای و خطوط انتقال داده) مواردی هستند که ظرفیت ایجاد جهش در قدرت ایران را دارند. به بیان دیگر، راهبرد جانمایی جدید با تمرکز بر گفتمان جهش قدرت، تمرکز خود را بر شاهرگ‌های روابط اقتصادی بین‌المللی و کنشگران بزرگ مقیاس (اعم از کنشگران حاکمیتی و کنشگران خصوصی بزرگ مقیاس) معطوف کرده است و متعرض مویرگ‌های تجاری نظیر تجارت برخی محصولات کشاورزی غیر اساسی، تجارت اسباب‌بازی و... (که محل کنش بخش خصوصی کوچک مقیاس است) نمی‌شود.

استفاده از عبارت «**کمربندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی**» دال بر آن است که راهبرد جانمایی جدید، نگاهی **کل نگر و جامع** به پدیده کریدور با کمر بند دارد و این پدیده را صرفاً به عنوان مسیر حمل و نقل در نظر نمی‌گیرد.

در بخش اول گزارش، سطوح کنش بر مدار کریدور ارائه شد. همچنین در آن بخش بیان شد که در دنیای جدید، کریدورها و کمربندها بر اساس منطق توأمان اقتصادی - امنیتی توسعه پیدا می‌کنند و حتی در موقعیت‌هایی که منطق اقتصادی (منطق سود و زیان) و منطق امنیتی (ایمن بودن زنجیره ارزش و تأمین) در تراحم با یکدیگر قرار می‌گیرند **منطق امنیتی بر منطق اقتصادی اولویت داده می‌شود**.

در پایان لازم است در مورد واژه «**منتخب**» توضیح بیشتری ارائه شود. در جهانی که روز به روز به سمت چندتکه شدن و قطبیت پیش می‌رود و همچنین در فضایی که تحریم، بسیاری از گزینه‌های پیشین (نظیر صادرات انرژی به اروپا) را از دسترس کشور خارج کرده، نظام سیاستگذاری و تصمیم‌گیری کشور، ناچار به «انتخاب» است. دلالت واژه «انتخاب» آن است که نظام سیاستگذاری و تصمیم‌گیری کشور نباید اجازه دهد ظرفیت‌های اقتصادی کشور، مصروف انبوهی از پروژه‌های ناسازگار (اعم از پروژه‌های زیرساختی، صنعتی، معدنی، عمرانی و...) شود؛ پدیده‌ای که سکه رایج دوران زیست نفتی بوده و هست؛ در این زیست، هریک از دستگاه‌ها بدون توجه به **راهبرد کلان بین‌المللی کشور**، دائماً در تلاشند سهم بیشتری از بودجه را به سمت پروژه‌های خود سوق دهند.

فرض ضمنی پشت واژه «انتخاب» آن است که نظام سیاستگذاری حال حاضر ایران، نه در موقعیت «اختیار میان گزینه‌های متکثر و متعدد»، بلکه در وضعیت «حرکت در دالان باریک پیشرفت» قرار دارد. البته این موضوع، خاص ایران نیست و بسیاری از کشورهای جهان در زمان تغییر نظم در همین موقعیت قرار گرفته‌اند. دالان باریک پیشرفت به این معناست که نظام سیاستگذاری کشور پس از انتخاب و گزینش «کمربندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی مورد نظر» باید تمام ظرفیت‌ها و امکانات خود را جهت کنش مؤثر در آن کمربندهای منتخب به کار بگیرد و از به کارگیری **غیربهرینه ظرفیت‌های کشور جهت پیشبرد دستور کار موازنه اقتصادی (مثبت یا منفی) با قدرت‌های منطقه و فرامنطقه پرهیز کند**. هر چند که در عرصه سیاسی و دیپلماتیک، ضرورت دارد گزینه‌های تعامل متنوع شوند. مطالب بیان شده در بخش فوق را می‌توان به صورت خلاصه شده در جدول زیر مشاهده کرد:

جدول ۳. راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان

بازه زمانی	دال مرکزی	حوزه‌های تصمیم‌گیری و اثر	راهبرد	سنجه پیشرفت و ارتقای عملکرد
کوتاه‌مدت	مدیریت مخاطرات از طریق ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور	– تجارت کالاهای اساسی. – ساز و کارهای پرداخت و نقاط تسویه مالی و بانکی.	ریسک‌زدایی و ایمن‌سازی (حتی با هزینه بیشتر از رویه‌های جاری)	– میزان فاصله گرفتن از رویه دور زدن تحریم. – تجارت کالاهای اساسی خارج از دایره مجوزهای مودی وزارت خزانهداری آمریکا. – تجارت کالاهای اساسی خارج از دایره دسترسی و استیلای قدرت‌های غیر همسو. – سرعت و کیفیت حرکت به سمت تراز کردن تجارت با کشورهای طرف تعامل در حوزه کالاهای اساسی و کاهش نیاز به ارزهای جهان‌روای غیر ایمن (نظیر دلار، یورو و درهم) جهت تسویه تجارت این اقلام.
میان‌مدت و بلندمدت	بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن از طریق نقش‌آفرینی در کمربندهای اقتصادی – سیاسی – امنیتی منتخب	– جذب سرمایه (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اخذ وام خارجی). – جذب فناوری. – جذب صنعت. – زیرساخت حمل‌ونقل انرژی، بار و داده.	انتخاب‌های راهبردی (نه موازنه‌گری)	– ارتقای سطح کنش بر مدار کریدور. – میزان جذب سرمایه خارجی. – دسترسی به فناوری‌های خاص و راهبردی. – سطح در هم‌تنیدگی با کشورهای منطقه و فرامنطقه در حوزه صنعت. – میزان وابستگی کشورهای منطقه و فرامنطقه به زیرساخت‌های کشور در حوزه انرژی، بار و داده (خطوط انتقال انرژی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی، دریایی و جاده‌ای و خطوط انتقال داده).

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۷. جمع‌بندی و پیشنهادها



گزارش حاضر به تحلیل پدیده «چندتکه‌شدن» جهان در زمینه اقتصاد سیاسی بین‌الملل پرداخته است. این پدیده پس از تحولات جهانی اخیر نظیر جنگ اوکراین، تنش‌های ژئوپلیتیکی، شیوع بیماری کووید-۱۹ و جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین ظهور و بروز زیادی پیدا کرده است. چندتکه‌شدن اقتصاد جهان به این معناست که به‌جای استانداردها و سازوکارهای جهان شمول در زمینه تجارت، تسویه مالی، لجستیک، صنعت و فناوری، اینک جهان در نقطه‌ای قرار گرفته است که سازوکارها و استانداردهای بدیلی در زمینه‌های فوق در حال شکل‌گیری هستند و این فرایند، در نتیجه تنش‌های ژئوپلیتیک آغاز شده و به‌موجب همین تنش، چندتکه‌شدن اقتصاد جهان تشدید خواهد شد.

چندتکه‌شدن اقتصاد جهان، با شدت و ضعف در حوزه‌های مختلفی از جمله نظام پرداخت‌های بین‌المللی و ترکیب سبد ارزی کشورها، سرمایه‌گذاری خارجی، صنعت و فناوری، تجارت جهانی، زنجیره‌های تأمین، شبکه‌های دیجیتال و زیرساخت‌های حیاتی رخ‌نمایی کرده است. ● **در حوزه نظام پرداخت‌های بین‌المللی**، سیستم‌های جایگزین سوئیفت ایجاد شده و در حال تقویت هستند. همچنین کشورها به دنبال کاهش وابستگی به ارزهای مسلط همچون دلار و یورو هستند که این امر بر ترکیب سبد ارزی کشورها اثرگذار بوده و استفاده از ارزهای منطقه‌ای و دوجانبه را افزایش داده است.

● **سرمایه‌گذاری خارجی** نیز تحت تأثیر افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی و سیاست‌های حمایتی دولت‌ها قرار گرفته است. محدودیت‌های اعمال شده بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های حساس فناوری و تغییر مسیر جریان‌های سرمایه‌ای به مناطق کم‌ریسک‌تر، به دگرگونی در الگوهای سرمایه‌گذاری منجر شده است.

در زمینه **صنعت و فناوری**، شاهد رقابت شدید در حوزه‌هایی مانند نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی هستیم. تحریم‌ها و سیاست‌های ملی گرایانه، دسترسی به فناوری‌های پیشرفته را محدود کرده و کشورها را به سمت خودکفایی و همکاری‌های منطقه‌ای سوق داده است.

تجارت و زنجیره‌های تأمین جهانی نیز به دلیل جنگ‌های تجاری، تحریم‌ها و تغییر سیاست‌های صنعتی دستخوش تغییر شده‌اند. کشورها در تلاش هستند زنجیره‌های تأمین خود را ایمن کنند و وابستگی به تأمین‌کنندگان خاص را کاهش دهند.

در زمینه **تجارت بین‌الملل**، تواتر وضع محدودیت توسط کشورها علیه تجارت دو جانبه و چند جانبه در قالب مقررات تجاری و در راستای حمایت از اقتصاد داخلی طی سال‌های اخیر با سرعت زیادی افزایش پیدا کرده است.

در حال حاضر، دیدگاه‌های مختلفی در مورد شدت، حدت و کیفیت چندتکه‌شدن اقتصاد جهان مطرح است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده صاحب‌نظران بر این گزاره صحنه می‌گذارند که «چندتکه شدن اقتصاد جهان، مسیر جهانی‌سازی را وارونه کرده و این روند، روز به روز شدت بیشتری به خود می‌گیرد»، اما اینکه اکنون، اقتصاد جهان با چه شدت و به چه میزانی چندتکه شده، محل اختلاف است. نکته دیگر آن است که چندتکه شدن اقتصاد جهان، منجر به تغییر و تحول گسترده‌ای در انگاره‌ها و اولویت‌های سیاستگذاری اقتصادی شده است.

چندتکه شدن اقتصاد جهان می‌تواند مخاطرات و فرصت‌هایی برای ایران داشته باشد: دو مخاطره مهم عبارت‌اند از:

الف) برآمدن گفتمان اقتصاد امنیتی و امنیت اقتصادی می‌تواند این پیامد را برای ایران داشته باشد که حتی در صورت رفع حقوقی تحریم‌ها، نمی‌توان انتظار داشت بازارهای سابق نفت ایران مجدداً به صورت حداکثری اقدام به واردات انرژی از ایران کنند.

ب) برآمدن مجدد پدیده تقابل قدرت‌های بزرگ باعث خواهد شد فارغ از اینکه ایران، چه نگاه یا ایده‌ای در مورد جهت‌گیری اقتصادی و سیاسی بین‌المللی داشته باشد، تحت تأثیر تنش‌های قدرت‌های بزرگ قرار بگیرد. چندتکه شدن اقتصاد جهان که خود، نمود و نشانه‌ای از تشدید رقابت‌ها و تخصیص‌های قدرت‌های بزرگ است می‌تواند اقتصادهایی نظیر اقتصاد ایران (که از یک طرف صاحب کالاهای اساسی هستند و از طرف دیگر، یک بازار مصرفی قابل توجه دارند) را تحت الشعاع قرار دهد.

از سوی دیگر، فرصت‌های ناشی از چندتکه شدن عبارت‌اند از:

الف) کاهش کارایی و اثرگذاری تحریم‌ها: به این معنا که اساساً تحریم در یک جهان یکپارچه کارایی حداکثری دارد. به هر نسبتی که سازوکارها و قواعد جدید و بدیلی در زمینه تجارت، تسویه مالی، لجستیک و استانداردهای خلق شوند کارایی پدیده تحریم کاهش می‌یابد.

ب) امکان بازتعریف نقش ایران در عرصه بین‌الملل: حرکت جهان به سمت چندتکه شدن و کاهش سطح یکپارچگی جهان، زمینه را برای جانمایی جدید و بازتعریف نقش ایران در عرصه بین‌الملل فراهم کرده است.

در حال حاضر، انسان ایرانی «به جای» تصویرسازی و رویاپردازی از تداوم امکان منتفع شدن از منابع تولیدشده از محل «یک» منبع بزرگ (همان زیست نفتی) باید یاد بگیرد که اکنون زیست خود را در کمربندهای متعدد و متکثر ساخت و پرداخت کند. در راستای مدیریت مخاطرات چندتکه شدن اقتصاد جهان، توصیه راهبردی، ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور است. از سوی دیگر، استفاده از فرصت‌ها، از رهگذر «نقش‌آفرینی در کمربندهای اقتصادی - سیاسی - امنیتی منتخب» می‌گذرد. در جدول ۳، مختصات راهبرد مدیریت مخاطرات و بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه شدن اقتصاد جهان ارائه شده است.

راهنمای مدیریت مخاطرات و بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن اقتصاد جهان

بازه زمانی	دال مرکزی	حوزه‌های تصمیم‌گیری و اثر	راهبرد	سنجه پیشرفت و ارتقای عملکرد
کوتاه‌مدت	مدیریت مخاطرات از طریق ایمن‌سازی زنجیره‌های تأمین حیاتی کشور	– تجارت کالاهای اساسی. – سازوکارهای پرداخت و نقاط تسویه مالی و بانکی.	ریسک‌زدایی و ایمن‌سازی (حتی با هزینه بیشتر از رویه‌های جاری)	– میزان فاصله گرفتن از رویه دور زدن تحریم. – تجارت کالاهای اساسی خارج از دایره مجوزهای مودی وزارت خزانهداری آمریکا. – تجارت کالاهای اساسی خارج از دایره دسترسی و استیلای قدرت‌های غیر همسو. – سرعت و کیفیت حرکت به سمت تراز کردن تجارت با کشورهای طرف تعامل در حوزه کالاهای اساسی و کاهش نیاز به ارزهای جهان‌روای غیرایمن (نظیر دلار، یورو و درهم) جهت تسویه تجارت این اقلام.
میان‌مدت و بلندمدت	بهره‌گیری از فرصت‌های چندتکه‌شدن از طریق نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی – سیاسی – امنیتی منتخب	– جذب سرمایه (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اخذ وام خارجی). – جذب فناوری. – جذب صنعت. – زیرساخت حمل‌ونقل انرژی، بار و داده.	انتخاب‌های راهبردی (نه موازنه‌گری)	– ارتقای سطح کنش بر مدار کریدور. – میزان جذب سرمایه خارجی. – دسترسی به فناوری‌های خاص و راهبردی. – سطح درهم‌تنیدگی با کشورهای منطقه و فرامنطقه در حوزه صنعت. – میزان وابستگی کشورهای منطقه و فرامنطقه به زیرساخت‌های کشور در حوزه انرژی، بار و داده (خطوط انتقال انرژی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی، دریایی و جاده‌ای و خطوط انتقال داده).

مأخذ: همان.

منابع و مأخذ



- [1] Conteduca, F. P., Giglioli, S., Giordano, C., Mancini, M., & Panon, L. (2025). Trade fragmentation unveiled: five facts on the reconfiguration of global, US and EU trade. *Journal of Industrial and Business Economics*, 1-23.
- [2] Yücesan, E. (2025). Does deglobalization imply the end of global supply chains? *International Business Review*, 102398.
- [3] Norring, A. (2024). Geoeconomic fragmentation, globalization, and multilateralism (No. 2/2024). Bank of Finland, Helsinki, *Economics Review*.
- [4] Zolfani, S. H., Krishankumar, R., Pamucar, D., & Görçün, Ö. F. (2022). The potentials of the Southern & Eastern European countries in the process of the regionalization of the global supply chains using a q-rung orthopair fuzzy-based integrated decision-making approach. *Computers & Industrial Engineering*, 171, 108405.
- [5] Arowosegbe, O. B., Olutimehin, D. O., Odunaiya, O. G., & Soyombo, O. T. (2024). Risk Management in Global Supply Chains: Addressing Vulnerabilities in Shipping and Logistics. *International Journal of Management & Entrepreneurship Research*, 6(3), 910-922.
- [6] Mohr, C., & Trebesch, C. (2025). *Geoeconomics* (No. 2279). Kiel Working Paper.
- [7] Aiyar, M. S., Chen, M. J., Ebeke, C., Ebeke, M. C. H., Garcia-Saltos, M. R., Gudmundsson, T., ... & Trevino, M. J. P. (2023). Geo-economic fragmentation and the future of multilateralism. *International Monetary Fund*.
- [8] Campos, R. G., Estefanía-Flores, J., Furceri, D., & Timini, J. (2023). Geopolitical fragmentation and trade. *Journal of Comparative Economics*, 51(4), 1289-1315.
- [9] Kaufman, S. J. (1997). The fragmentation and consolidation of international systems. *International Organization*, 51(2), 173-208.

- [10] Banaszyk, P. (2023). Reshoring and friendshoring as factors in changing the geography of international supply chains. *Engineering Management in Production and Services*, 15(4), 25-33.
- [11] Namdar, J., Modi, S., & Blackhurst, J. (2024). Diversify or Concentrate? Supply Chain Responses to Policy Uncertainty. *Journal of Supply Chain Management*.
- [12] Canosa, J. (2024). Supply Chains: an Analysis of Nearshoring and Friendshoring Trends. *Business Law International*, 25(2), 100-143.
- [13] Nedumpara, J. J. (2024). Friendshoring, Nearshoring, Greenshoring and Reshoring: Changing Faces of Global Supply Chains and its Impact on International Economic Law-Introduction to the Special Issue. *Global Trade and Customs Journal*, 19(3), 125– 128.
- [14] <https://trends.google.com/trends/>
- [15] Gopinath, G., Gourinchas, P. O., Presbitero, A. F., & Topalova, P. (2024). Changing global linkages: A new Cold War?. *Journal of International Economics*, 104042.
- [16] Conteduca, F. P., Giglioli, S., Giordano, C., Mancini, M., & Panon, L. (2025). Trade fragmentation unveiled: five facts on the reconfiguration of global, US and EU trade. *Journal of Industrial and Business Economics*, 1-23.
- [17] Hinrich Foundation, (2024). The Deglobalization Myth: Summing up Asia's supply chain
Direct Link: https://www.hinrichfoundation.com/research/article/trade-and-geopolitics/summing-up-asia-supply-chain-changes/?utm_source=chatgpt.com
- [18] Goldberg, P. K., & Reed, T. (2023). Is the Global Economy Deglobalizing? And if so, Why? and What is Next? NBER Working Paper.
- [19] Blanga-Gubbay, M., & Rubínová, S. (2023). Is the global economy fragmenting? (No. ERSD-2023). WTO Staff Working Paper.
- [20] Nikolić, G., Zvezdanović Lobanova, J., & Zvezdanović, M. (2023). The US Trade and Technology War Against China and the Resulting Geoeconomic Fragmentation: Potential Implications and Risks for the Global Economy. *Kultura polisa*, 20(3), 195-211.
- [21] Petrov, M. V. (2024). The Impact of Geopolitical Tensions on International Capital Flows. *Finansovyj zhurnal—Financial Journal*, (3), 8-22.
- [22] Campos, R. G., Eštefanía-Flores, J., Furceri, D., & Timini, J. (2023). Geopolitical fragmentation and trade. *Journal of Comparative Economics*, 51(4), 1289-1315.
- [23] Marafa, H. (2024). Impact of geoeconomic fragmentation on regional economic integration in West Africa: A Post-structuralist discourse approach. *International Journal of Developing and Emerging Economies*, 12(2), 37-46.
- [24] Mohr, C., & Trebesch, C. (2025). Geoeconomics (No. 2279). Kiel Working Paper, CES info. Direct Link: <https://www.cesifo.org/en/publications/2024/working-paper/geoeconomics>
- [25] Hakobyan, S., Meleshchuk, S., & Zymek, R. (2023). Divided We Fall: Differential Exposure to Geopolitical Fragmentation in Trade (No. 2023/270). International Monetary Fund.
- [26] Gopinath, G., Gourinchas, P. O., Presbitero, A. F., & Topalova, P. (2025). Changing global linkages: A new Cold War? *Journal of International Economics*, 153, 104042.
- [27] Brende, B., Sternfels, B. (2024). The Global Cooperation Barometer, McKinsey & Company. Direct Link: <https://www.mckinsey.com/capabilities/strategy-and-corporate-finance/our-insights/strengthening-fray-ing-ties-the-global-cooperation-barometer-2024>.
- [28] Fernández-Villaverde, J., Mineyama, T., & Song, D. (2024). Are We Fragmented Yet? Measuring Geopolitical Fragmentation and its Causal Effects, National Bureau of Economic Research.
- [29] Tran, H. (2024). How Can the Global South Navigate Geopolitical Rivalry and Geoeconomic Fragmentation? (No. 2035). Policy Center for the New South.
- [30] Ben Hammouda, H. (2024). Multi-alignment and De-risking: The Global South Response to World Fragmentation, Ifri Papers.

- https://www.ifri.org/sites/default/files/202410/ifri_ben_hammouda_multi_alignment_derisking_2024.pdf
- [31] Aiyar, S., & Ohnsorge, F. (2024). Geoeconomic Fragmentation and "Connector" Countries, Munich Personal RePEc Archive.
- [32] Muya, J. (2024). Geopolitical Fragmentation in the world and its consequences on Developing Countries: a game of chess on a fractured board, Munich Personal RePEc Archive.
- [33] Fasulo, F., Gili, A., Magri, P. (2024). The Rise of Fragmentation a New Economic Security Era?, ISPI. Direct Link: <https://www.ispionline.it/en/publication/the-rise-of-fragmentation-a-new-economic-security-era-184102>.
- [34] Schindler, S., & Rolf, S. (2024). Geostrategic globalization: US–China rivalry, corporate strategy, and the new global economy. Globalizations, 1-18.
- [35] Spence, Michael (2023), Destructive Decoupling, Council on Foreign Relations, April 4, 2023.
- [36] Mowery, D.C. (2008) 'National Security and National Innovation Systems', The Journal of Technology Transfer 34(5), 455.
- [37] Foroohar, Rana (2022), After Neoliberalism; All Economics Is Local, foreign affairs, November/December 2022.
- [38] Zhang, X. and J. Keith (2017) 'From Wealth to Power: China's New Economic Statecraft', The Washington Quarterly 40(1), 185–203.
- [39] Aggarwal, V. K., & Reddie, A. W. (2022). New economic statecraft: Industrial policy in an era of strategic competition. In The Strategic Options of Middle Powers in the Asia-Pacific (pp. 105-122). Routledge.
- [40] Bindseil, U., Marrazzo, M., & Sauer, S. (2024). The impact of central bank digital currency on central bank profitability, risk-taking and capital. ECB Occasional Paper, (2024/360).
- [41] Caudevilla, O., & Kim, H. M. (2022). The Digital Yuan and Cross-Border Payments: China's Rollout of Its Central Bank Digital Currency. University of Hong Kong Faculty of Law Research Paper, (2023/30).
- [42] Baranov, D. V., & Shcherbachenko, P. S. (2024). Digital currency of the Central bank in Russia and in the world: current status and development prospects. Вестник университета, 174.
- [43] <https://www.statista.com/chart/30838/share-us-us-dollar-in-global-economy-global-financial-transactions>.
- [44] <https://unctad.org/news/foreign-investment-developing-economies-fell-2-2024-marking-second-year-decline?utm>.
- [45] <https://unctad.org/data-visualization/global-foreign-direct-investment-flows-over-last-30-years>
- [46] Fragmentation and Commodity Markets, (2023). International Monetary Fund (IMF). Direkt Link : <https://www.elibrary.imf.org/view/book/9798400235801/CH003.xml>
- [47] Ahn, J., Carton, B., Habib, A., Malacrino, D., Muir, D., & Presbitero, A. (2023). Geoeconomic fragmentation and foreign direct investment. World Bank. Direct Link: <https://thedocs.worldbank.org/en/doc/3e5537ac17a795823a3e3c46b12c0351-0050022023/related/42-Geoeconomic-fragmentation-and-foreign-direct-investment-short-summary.pdf>
- [48] Catalán, M., Fendoglu, S., & Tsuruga, T. (2024). A Gravity Model of Geopolitics and Financial Fragmentation. IMF Working Papers, 196, 1-35.
- [49] Nawaz, F., Abu Saleem, K., & Kayani, U. (2024). The made in china 2025 strategy: perceptions and reservations of china's state capitalist economic model. Corporate & Business Strategy Review, 5(1), 432 – 439.
- [50] The White House (2022), Executive Order on America's Supply Chains: A Year of Action and Progress. Direct Link: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/02/Capstone-ReportBiden.pdf>.
- [51] Sullivan, Jake. (2023). Remarks by national security advisor Jake Sullivan on renewing american economic leadership at the brookings institution, April, 27th 2023.
- [52] Luce, Edward (2023), The new Washington consensus, Financial Times, APRIL 19 2023.
- [53] <https://www.trademap.org/>
- [54] <https://data.worldbank.org/indicator/NE.TRD.GNFS.ZS>
- [55] https://www.wto.org/english/news_e/news24_e/trdev_11dec24_e.htm

- [56] Steil, B. (2024). Soaring Abuse of “National Security” Exceptions Has Wrecked the Multilateral Trading System, Council.
- [57] Aiyar, M. S., Chen, M. J., Ebeke, C., Ebeke, M. C. H., Garcia-Saltos, M. R., Gudmundsson, T & Trevino, M.J.P. (2023). Geo-economic fragmentation and the future of multilateralism. International Monetary fund, p.8
Direct Link: <https://www.cfr.org/blog/soaring-abuse-national-security-exceptions-has-wrecked-multilateral-trading-system>
- [58] Gozgor, G., Khalfaoui, R., & Yarovaya, L. (2023). Global supply chain pressure and commodity markets: Evidence from multiple wavelet and quantile connectedness analyses. Finance Research Letters, 54, 103791.
- [59] <https://www.spglobal.com/market-intelligence/en/news-insights/research/the-big-picture-2025-supplychain>.
- [60] Godinho, M. M., & Simões, V. C. (2023). The Tech Cold War: What can we learn from the most dynamic patent classes? International Business Review, 32(6), 102140.
- [61] Schneider-Petsinger, M. (2017). ‘Trade Policy under President Trump: Implications for the US and the World, November, chathamhouse.
- [62] Rhoades, A. L., Treyger, E., Vest, N., Curriden, C., Bemish, B. A., Chindea, I. A., & Klein, K. (2023). Great-power competition and conflict in the Middle East. Rand Corporation, pp. 31-32.
- [63] Kaplan, R. D. (2023). The loom of time: Between empire and anarchy, from the Mediterranean to China. Random House, chapter 10.
- [۶۴] رئیس‌نژاد، آرش (۱۴۰۱). ایران و راه ابریشم نوین، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ایران.

گزیده سیاستی

چندتکه شدن اقتصاد جهان، روند جهانی سازی را وارونه کرده است. این پدیده، واجد مخاطرات و فرصتهایی برای ایران است. راهبرد مدیریت مخاطرات، ایمن سازی زنجیره های تأمین و راهبرد بهره گیری از فرصت ها، نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی سیاسی - امنیتی منتخب است.



مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir